

منزلت صحابه رضی الله عنهم در قرآن

مؤلف: محمد صالح محمد الصاوی

مترجم: پدرام اندایش

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله. خداوند تعالی قرآن را نازل نموده است و هر آنچه را که بشر به آن نیاز دارد را در آن قرار داده است. مطمئناً این نیازها چیزی فراتر از نیازهای مادی می‌باشند. حتی اگر کسی از گرسنگی بمیرد، دچار بدبختی نمی‌شود و مشکلات او ادامه نمی‌یابد، ولی اگر کسی ذات پلیدی داشته باشد و به جهنم وارد شود و بدتر از آن، این که اهل توحید و نماز نباشد و در جهنم جاودان گردد، چنین شخصی است که بدبخت می‌باشد و بدبخت خواهد بود. در این کتاب از بیان قرآن درباره‌ی منزلت و شخصیت کسانی صحبت به میان آمده است که بعضی آنان را بدترین افراد روی زمین می‌دانند. در قرآنی از آنها سخن به میان آمده است که خیر متواتر^۱ می‌باشد و هیچ جای شکی برای انسانهای عاقل در برابر آن وجود ندارد، همان قرآنی که معجزه بوده و بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال هنوز کسی نتوانسته است، سوره‌ای به مانند آن را بیاورد و همان قرآنی که جدا از اسباب مادی، الله تعالی نیز تضمین نموده است که آن را از تحریف حفظ کند. باطل گرایان وقتی دیدند که نمی‌توانند در قرآن دست ببرند، شروع کردند به دست درازی به سنت که بر اساس گواهی قرآن، شارح و مفسر قرآن می‌باشد. راحت‌ترین راه، برای حذف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که به راویان آن بی‌احترامی شود و به آنان تهمت زده شود و از روی افتراء به آنها نسبت کافر داده شود. ولی در این کتاب مثبت بودن و ستایش قرآن از صحابه رضی الله عنهم آورده شده است و سعی شده است تا مطلب نسبتاً کافی باشد.

در مقابل این کسانی که به صحابه رضی الله عنهم تهمت می‌زنند و در عوض

^۱ - خبر متواتر به خبری می‌گویند، که آنقدر تعداد راویان آن زیاد است که آنها توانایی آن را ندارند که برای تحریف آن دست به یکی کنند. به این معنا که اگر بر فرض محال همه‌ی آنها افراد شایسته‌ای نباشند، بازهم خبری را که بیان نموده‌اند، قابل اعتماد است. به علت همین متواتر بودن قرآن است که حتی تاریخ نویسان کافر نیز آن را تحریف نشده می‌دانند. (مترجم)

بزرگان خود را در حد خدایی بالا می‌برند، کسانی وجود دارند که از این ستایش‌های شرک گونه خسته شده‌اند و می‌گویند: «دین برای بزرگداشت الله تعالی آمده است، پس چرا شما بندگان خدا را بزرگ می‌کنید؟». در جواب می‌گویم: «وقتی الله تعالی و بعد از آن پیامبر ﷺ در ستایش از افرادی مثل صحابه و مخصوصاً نفرات اولیه آنها و همچنین اهل بیت، سخنانی به میان آورده‌اند تا از آنها تمجید کنند، پس تمجید کردن بدون افراط و تفریط از اصل دین بوده و چیزی جدید و ساختگی در دین نمی‌باشد. البته که باید بدون افراط و تفریط صورت گیرد، تا حق ضایع نگردد». ان شاء الله این کتاب وسیله‌ای برای رسیدن به حق و اسلام حقیقی شود و توسط آن در دنیا و آخرت به من و شما خیر برسد.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب هدایت می‌نماییم و از او طلب آموزش می‌کنیم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و نتیجه‌ی بد اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد هدایت کننده‌ای نداشته و هرگز ولی راهنمایی کننده‌ای برای او یافت نخواهد شد.

شهادت می‌دهم که پرستش شونده و معبود برحق جز الله وجود ندارد و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد.

اللهم صل علی محمد و أزواجه أمهات المؤمنین و ذریته و آل بیته و سائر الصحابة و التابعین و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. أما بعد:

این مطلب خلاصه، منزلت صحابه در قرآن است و این که الله تعالی به حقیقت ایمان آنها گواهی داده است و همچنین بشارت رحمت وی و رضایتمندی او و نعمتهای دائمی وی در بهشتهای پر نعمتی است که الله تعالی برای آنها در نظر گرفته است.

علم به این قضیه انتشار یافته است تا آنجا که از ضروریات دین شده است و علماء و عوام آن را می‌دانند و خاص و عام از آن تبعیت می‌کنند و قبول نکردن آن از هیچ کس قابل قبول نیست.

مگر گروهی که خود را به اسلام نسبت می‌دهند و از این اجماع بیرون رفته‌اند و اصحاب رسول الله ﷺ را دشنام می‌دهند و خود را در زشتی‌ها و

امور متکرر قرار می‌دهند و گواهی دادن آنها بر خلاف آیات محکم قرآن می‌باشد.

امر به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه آنها گواهی می‌دهند - مگر عده‌ی کمی از آنها - که صحابه کافر و مرتد بودند و به منابع شرعی که شامل دلایلی است که باطل بودن این عقاید را بیان می‌داند، طعنه وارد می‌کنند، این موارد همان عبارات آشکاری از قرآن و سنت و حقایق تاریخی است که در نزاد امت وجود دارد و در پس آن سیلابی از بدعت و افتراءات را جاری می‌شود.

ما نمی‌خواهیم بحث گسترده‌ای در این زمینه داشته باشیم و آن خیلی بیشتر از آن است که در این صفحات کم بتوانیم آن را بیان کنیم. ما فقط می‌خواهیم منزلت صحابه رضی الله عنهم در قرآن را بیان داریم و اعتماد خود را در وهله‌ی اول بر گواهی قرآن قرار می‌دهیم؛ زیرا آنها کسانی هستند که در هر بحث و جدلی دائماً ادعا می‌کنند که به قرآن ایمان دارند و می‌گویند افرادی که به ما نسبت می‌دهند که اعتقاد ما بر این است که قرآن تحریف رفته است، دروغ می‌گویند و تهمت می‌زنند.

پس جلو بیایید تا به سوی آیات قرآن برویم و از خلال آن ببینیم که پروردگار جهانیان شهادت داده است که اصحاب رسول صلی الله علیه و آله بر هدایت و حقی آشکار بوده‌اند و آنها بهترین مردم برای انسانها بوده‌اند و این امر تا بدانجا رفته است که رستگاری عظیمی را که همان بهشت‌های پر نعمت است به آنها بشارت داده است.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ [الأَنْعَام: ۱۹] (بگو: «گواهی دادن چه کسی برتر است؟» بگو: الله بین من و شما گواه است و این قرآن به من وحی شده است تا شما و کسانی که این قرآن به آنها می‌رسد را [از عذاب الله تعالی] بترسانم).

ما نیز کسی که این مطلب را می‌خواند، می‌ترسانیم تا در یکی از این هلاک شدن‌ها قرار نگیرد و در آیات الله تعالی آنچنان که شایسته است حق جویانه تدبیر نماید و از اسارتِ هوای نفس و شهوت خفی رها شود و یقین داشته باشد که الله تعالی در روزی که شکی در آن وجود ندارد، آنها را جمع

می‌نماید و از آنها سوال می‌نماید که دعوت پیامبران را چگونه پاسخ دادید؟ همان روزی که چهره‌هایی سیاه می‌شود و چهره‌ی بعضی دیگر سفید می‌گردد. همان گونه که آرزوی ماست، هدف از این بحث فقط روشن نمودن حق و نشان دادن باطل است و از هرگونه شبهه افکنی برای به اضطراب انداختن و به فتنه انداختن یا کمک نمودن به حزب سیاسی خاصی یا هدف دیگری مبراء و پاک می‌باشد. الله تعالی می‌داند که قلم ما تکان نمی‌خورد مگر برای دوست‌داشتنی که برای الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ است و نوشته‌های سیاه خود را بر کاغذ سفید قرار نمی‌دهیم، مگر برای خیرخواهی الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ و امامان مسلمان و عموم آنها، تا انگیزه‌ای ایجاد گردد که مسلمانان بر یک سخن جمع شوند و دست کسانی که به عمد آیات قرآن را برای خدمت به طاغوت‌ها یا جاری نمودن شهوتی از شهوت‌های دنیا به کار می‌برند را کوتاه کنیم!!

ای کسانی که به قرآن ایمان دارید، بر ماست که برای اختلافات خود به آن رجوع کنیم و از الله تعالی کمک بطلبیم و بر وی توکل نماییم و هیچ تغییر و قدرتی وجود ندارد، مگر از جانب الله متعال.

امتی که برای امر بسیار مهمی قرار داده شدند

الله ﷻ اصحاب رسول الله ﷺ را برای امر مهمی برگزید تا وزیران پیامبرش ﷺ باشند و رسالت او را بعد از وی به گردن داشته باشند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَن فَيْكُم رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلَيَّ يَمَانٌ وَرِثَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ [الحجرات: ۷] (و بدانید که فرستاده‌ی الله در میان شما است، اگر در بسیاری از امور از شما اطاعت کند، به سختی می‌افتید، ولی الله [متعال] ایمان را نزد شما دوست‌داشتنی قرار داد و آن را در قلبهائتان آراست و کفر و فسق و نافرمانی را در نظر شما ناپسند جلوه داد. اینان همان راه یافتگان هستند).

از روی شرف صحابه است که الله تعالی چنین امر بزرگی را درباره‌ی آنها بیان فرموده است و ایمان را در نظر آنها دوست‌داشتنی قرار داد و کفر، گناه و گناهان صغیره را نزد آنها زشت جلوه داد، زیرا آنها مستحق آن

بودند که از راه یافتگان قرار گیرند، همان گونه که این لیدی گرامی آن را بیان داشته است.

گروهی از جاهلان از حق روی برگردانده‌اند و می‌پندارند که اصحاب محمد ﷺ یا کافر بودند و یا فاسق و یا نافرمان! مگر تعداد کمی از آنها که تعداد آنها از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند!

ای صاحبان خرد! کدام یک را تصدیق می‌کنید؟

آیا گواهی دادن قرآن بر هدایت و ایمان آنها را تصدیق کنیم؟

یا گواهی دادن گروهی که نسبت کفر، فسق و عصیان به آنها

می‌دهند؟

صحابه! بهترین امتی هستند که برای مردم انتخاب شده‌اند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] (شما بهترین امتی هستید که برای مردم آفریده شده‌اید. امر به نیکی می‌کنید و از زشتی نهی می‌نمایید).

الله تعالی آنها را بهترین امت قرار داده است و این به واسطه‌ی آن است که امر به نیکی می‌نمودند و از بدی نهی می‌کردند و این همان اقرار به این امر است که در قلبهای آنها ایمان به الله ﷻ قرار گرفته است و عده‌ای از جاهلان می‌پندارند که آنها بدترین امت بوده‌اند و به امانت الله تعالی خیانت می‌کردند و بر ظلم و دشمنی اصرار داشتند و به کفر و جاهلیت خود بازگشته‌اند! چه کسی این امر را تصدیق می‌کند؟

آیا قرآن را تصدیق کنیم که گواهی داده است که آنها بر ایمان و خیر بوده‌اند؟

یا گروهی را تصدیق کنیم که گواهی می‌دهند آنها بر خيلنت و جاهلیت بوده‌اند؟

ای صاحبان خرد جواب دهید!

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَكَيْفَ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [آل عمران: ۱۰۱] (و چگونه کفر می‌ورزید در حالی که آیات الله برای شما خوانده می‌شود

و در بین شما فرستاده‌ی او وجود دارد و کسی که به الله جنگ بزند، همانا به راه مستقیم هدایت شده است).

کفر از این امت ربانی بسیار دور است، امتی که الله تعالی به چنین توصیف منحصر به فردی آنان را توصیف فرموده است تا آن که امانت دین را حمل کنند و دعوت آخرین پیامبر ﷺ را بر پا دارند.

آنان چگونه کفر می‌ورزیدند، در حالی که الله تعالی کفر را در نظر آنها زشت جلوه داده بود؟ بلکه چگونه کفر می‌ورزیدند، وقتی آیات الله برای آنها خوانده می‌شد و فرستاده‌ی الله تعالی در بین آنها بود؟

گواهی دادن آن که حقیقت ایمان در درون آنها وجود داشت: الله تعالی درباره‌ی اصحاب پیامبر ﷺ که شامل مهاجرین و انصار بودند، در جای جای قرآن کریم به حقیقت ایمان آنها گواهی داده است.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَتَصَرَّوْا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴] (و کسانی که ایمان آورده‌اند و هجرت نموده‌اند و در راه الله جهاد نموده‌اند و کسانی که به آنها پناه داده‌اند و یاری‌شان نموده‌اند، آنان مؤمنانی حقیقی هستند، برای آنها آمرزش و روزی گرامی خواهد بود).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۲] (و اگر بخواهند تو را فریب دهند، الله برای تو کافی است، او کسی است که با یاری‌اش و با مؤمنان تو را توان داد و قدرت بخشید).

در این آیه الله تعالی نعمتی را برای پیامبر ﷺ بیان نموده است و آن یاری دادن وی با مؤمنانی از مهاجرین و انصار می‌باشد و این آیه به دو امر هدایت می‌کند:

اول: گواهی دادن حقیقت ایمان در آنها زیرا این گواهی را الله بسیار دانا و باخبر بیان فرموده است.

دوم: آنان لشگری بودند که توسط آنها پیروزی حاصل شد و تعداد آنها همان طور که توسط بعضی پنداشته می‌شود، کم نبوده است.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] (شما بهترین امتی هستید که برای مردم برانگیخته شده‌اید، به نیکی امر می‌کنید و از بدی نهی می‌نمایید و به الله ایمان دارید).

در این آیه دو راهنمایی وجود دارد:

اول: آن امت، بهترین امت است که برای مردم قرار داده شده است.

دوم: سبب آن امر به نیکی و نهی از بدی و ایمان به الله تعالی می‌باشد. صحابه رضی الله عنهم اولین و برترین کسانی بوده‌اند که مورد خطاب این آیه قرار گرفته‌اند و اختلافی در آن وجود ندارد، زیرا آنها اولین گروهی بودند که توسط این آیه مورد خطاب قرار رفتند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿الْفُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ * وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ * وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۸-۱۰] (همچنین غنایم) برای مهاجرین فقیری است که از سرزمینشان و اموالشان اخراج شده‌اند، در پی فضل و خشنودی الله هستند و الله و فرستاده‌اش را یاری می‌نمایند، آنان همان راستگویانند * و کسانی که قبل از آنها خانه را آماده کردند و ایمان در قلبشان جای گرفت، کسی که به سوی آنها هجرت نموده است را دوست می‌دارند و از آنچه [به آنها] می‌دهند، در درونشان احساس نیازی نمی‌کنند و آنان را بر خودشان ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند و کسی که نفس خود را از آزمندی باز بدارد، آنان همان رستگاران هستند * و کسانی که بعد از آنها می‌آیند [و] می‌گویند: پروردگار ما! ما و برادران ما را که در ایمان از ما سبقت گرفتند را بیمارز و در قلبهای ما کینه‌ای برای کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار مده، پروردگار ما! همانا تو بسیار مهربان و دائماً رحمت کننده می‌باشی).

در این آیات دلیلی بر این وجود دارد که مهاجرین و انصار و

کسانی که از آنها به نیکی تبعیت می‌کنند، مستحق فیء می‌باشند.

– الله تعالی در آیهی اول مهاجرین را ستایش نموده است، زیرا آنها از سرزمین‌شان اخراج شدند و با قوم خود مخالفت کردند و این کار را برای رضایتمندی الله و رضوان وی و یاری دادن الله متعال و فرستاده‌اش انجام دادند. در آخر آیه نیز گواهی به راستگویی آنها داده شده است.

– سپس انصار را ستایش نموده است و این برای آن است که برادران مهاجر خود را دوست داشتند و خودشان را از حسادت به آنها حفظ می‌نمودند و آنها را برخود ترجیح می‌دادند. بعد از آن اشاره شده است به رستگاری آنها و آن در آیهی دوم می‌باشد.

– سپس کسانی را مورد ستایش قرار داده است که بعد از آنها آمدند و برای نفرات اولیه طلب آموزش می‌نمودند و از الله تعالی درخواست می‌کردند که در قلبهایشان کینه‌ای از مؤمنان قبلی قرار ندهد.

امام مالک رحمه الله از این آیهی آخر استنباط نموده است که برای رافضیانی که صحابه را دشنام می‌دهند، نصیبی از فیء تعلق نمی‌گیرد، زیرا آنها، آن خصوصیتی که الله تعالی توسط آن آنها را ستایش نموده است را ندارند.

اگر به شرح و تفصیل نصوص قرآنی بپردازیم، آیات بسیاری را می‌یابیم که به ایمان صحابه رضی الله عنهم گواهی داده است و آن در جاهای گوناگون آن وجود دارد. از این عبارات همان برداشتی حاصل می‌شود که از توصیف آنها به ایمان به طور عمومی برداشت می‌شود و چرا که نه؟ صحابه رضی الله عنهم در قرآن در نزدیک به نود آیه با وصف به ایمان مورد خطاب قرار گرفته‌اند!

الله تعالی در مورد اهل بدر می‌فرماید: ﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَتَنْكَفِرُكُمْ أَنْ يَمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِطَلَاقَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ * بَلَىٰ إِنْ تَصْصِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ [آل عمران: ۱۲۴-۱۲۵] (هنگامی که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا برای شما کافی نیست که پروردگارتان با سه هزار ملاتک که نازل شده‌اند، شما را یاری نمایند؟» * بله، اگر صبر نمایید و تقوا پیشه کنید و همینک بر شما هجوم بیاورند، شما را با پنج هزار ملاتک نشان‌دار یاری می‌نماید).

درباره‌ی آنها در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً

مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ * إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتُ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرَبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿الأنفال: ۱۱-۱۲﴾ [به یاد آورید] هنگامی را که [الله تعالی] خواب سنگینی بر شما افکند تا امنیت و آرامشی از طرف وی باشد و از آسمان آبی فرو فرستاد تا شما را پاک گرداند و از شما پلیدی شیطان را دور نماید و دلهایتان را محکم گرداند و قدمهایتان را استوار دارد * هنگامی [را به یاد آورید] که پروردگارت بر ملائک وحی نمود که من همراه شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم نمایید. بر قلب کسانی که کفر می‌ورزند، ترس را القاء می‌کنم، پس سرهایشان را بزنید و دستهایشان را ببرید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَلَمَ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۱۷] (پس شما آنها را نکشتید، بلکه الله آنها را کشت و تیری نیانداختی ولی الله تیر انداخت تا توسط این، الله مؤمنان را با آزمایش نیکو، مورد آزمایش قرار دهد. همانا الله شنوای داناست).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْغَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ [آل عمران: ۱۳] (برای شما نشانه‌ای در دو گروه هنگامی که به یکدیگر رسیدند وجود دارد. گروهی در راه الله جنگ می‌کنند و گروهی دیگر کافر هستند و آن [مؤمنان] را دو برابر اندازه‌ی واقعی آنها دیدند و الله [تعالی] با یاری‌اش هر که را بخواهد، تأیید می‌نماید. همانا در این امر عبرتی برای صاحبان بینش است).

این آیه اشاره دارد به برخوردی که بین مسلمانان و مشرکان در جنگ بدر واقع شد و در آن گواهی الله تعالی به خلوص نیت اصحاب بدر علیهم‌السلام وجود دارد. آنان در آن روز از روی تعصب، شجاعت و خودنمایی جنگ نمودند، بلکه فقط در راه الله تعالی جنگ نمودند تا [بگویند]: سخن الله تعالی بالاتر است و سخن کسانی که کفر می‌ورزند، پایین‌تر است. در پس آن، الله متعال با یاری‌اش آنان را تأیید نمود و الله متعال با یاری دادش هر که را بخواهد، تأیید می‌نماید.

درباره‌ی کسانی که جنگ احد را دیدند، می‌فرماید: ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۱-۱۶۲] (و [به یاد بیاور] وقتی را که صبحگاه از نزد اهلت بیرون رفتی تا جای مؤمنان را برای جنگ مشخص نمایی و الله شنوای داناست * هنگامی که دو گروه از شما خواستند که سستی بورزند و الله یار آنان بود و مؤمنان باید فقط بر الله توکل نمایند).

همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۲] (و هنگامی که الله [تعالی] برای شما به وعده‌اش وفا نمود، هنگامی که به اذن او آنها را از پای درآوردید؛ تا آن که سستی نمودید و در امر اختلاف ورزیدید و بعد از آن که آنچه را که دوست می‌دارید [الله متعال] آن را به شما نشان داد، نافرمانی کردید. از شما کسی است که دنیا را می‌خواهد و از شما کسی است که آخرت را می‌خواهد. سپس شما را از آنها بازداشت تا شما را مورد آزمایش قرار دهد و [الله تعالی] شما را بخشد و الله برای مؤمنان صاحب بخشش است).

درباره‌ی آنها وقتی که رسول الله ﷺ بعد از جنگ آنها را به سوی دشمن حرکت داد می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ * الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسِّنْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانِ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ [آل عمران: ۱۷۲ - ۱۷۴] (کسانی که الله و رسول را بعد از آن که جراحت و زخمی به آنها رسیده بود، اجابت کردند. برای کسانی از آنها که نیکوکاری کنند و تقوا پیشه سازند، اجر بزرگی وجود دارد * کسانی که مردم به آنها گفتند: «مردم بر علیه شما جمع شده‌اند، پس از آنها بترسید!» در نتیجه‌ی آن ایمان آنها افزایش یافت و گفتند: «الله برای ما کافی است و نیک

^۱ - چون جار و مجرور مقدم گشته است، معنای تخصیص می‌دهد. (مترجم)

نگهبانی می‌باشد» * پس آنها با نعمت و فضلی از جانب الله بازگشتند و بدی به آنها نرسید و رضایتمندی الله را بدست آوردند و الله دارای بخششی بزرگ است).

آن در روز حمراء الأسد اتفاق افتاد و آن وقتی بود که مشرکان به خاطر آنچه از مسلمانان به آنها رسیده بود فرار کرده بودند تا به سرزمین‌نشان برگردند. وقتی در حال بازگشت بودند، پشیمان شدند و خواستند تا به مدینه حمله کنند و امر را فیصله دهند. هنگامی که این خبر به رسول الله ﷺ رسید، مسلمانان را برای رفتن به سوی آنها تشویق نمود تا مشرکان را بترساند و به آنها نشان دهد که مسلمانان دارای قدرت هستند. مسلمانان با آن که زخمی و خسته بودند برای اطاعت از الله ﷻ و فرستاده‌اش ﷺ به سوی آنها حرکت کردند و الله تعالی این آیات را نازل نمود.

کسی است که می‌گوید: الله ﷻ بیان فرموده است که در بین آنها کسی وجود داشته است که خواهان دنیا بوده است و آن همان این سخن الله تعالی می‌باشد: ﴿مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾ (از شما کسی است که دنیا را می‌خواهد و از شما کسی است که آخرت را می‌خواهد).

جواب این است: آن ایرادی به حقیقت ایمان آنها نمی‌گیرد و این از بقیه‌ی آیه فهمیده می‌شود: الله تعالی در آن بیان می‌فرماید که آنها را مورد عفو قرار داده است و اشاره نموده است که این عفو، بخششی از طرف وی به دلیل ایمان آنها می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (همانا شما را مورد عفو قرار داد و الله دارای بخششی بر مؤمنان است).

درباره‌ی کسانی که در صلح حدیبیه حاضر بودند و به حکم الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ گردن نهاندند و تعداد آنها هزار و چهارصد نفر بود، می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا * لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ قُرْزًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۴-۵] (او کسی است که آرامش را بر قلبهای مؤمنان نازل نمود تا ایمانی بر ایمان آنها بیافزاید. سربازان آسمانها و زمین فقط برای الله هستند و الله بسیار دانای بسیار حکیم است * تا

مردان و زنان مؤمن را به باغهایی داخل نماید که از زیر آن نهرها جاری است و در آن جاودان خواهند ماند و بدی‌های آنها را می‌پوشاند و آن نزد الله کامیابی بزرگی است).

شیخین از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده‌اند: این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾ (تا الله گناهان قبل و بعدت را ببامرزد) و این در هنگام بازگشت از حدیبیه بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَقَدْ أُنزِلَتْ عَلَيَّ آيَةٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا عَلَى الْأَرْضِ» (آیه‌ای بر من نازل شده است که برایم از آنچه بر روی زمین است، دوست داشتنی‌تر می‌باشد)، سپس آن را پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنها قرائت فرمود و آنها گفتند: گوازی وجودت باشد ای پیامبر الله! الله تعالی آنچه را که بر تو به اجرا می‌رساند را بیان فرموده است، پس با ما چه کار خواهد نمود؟ بر او صلی الله علیه و آله نازل شد: ﴿لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (تا مردان و زنان مؤمن را به باغهایی داخل نماید که از زیر آن نهرها جاری است) تا آن که رسید به: ﴿قُورًا عَظِيمًا﴾ (کامیابی بزرگی است). آنان اهل بیعت رضوان هستند که الله تعالی درباره‌ی آنها می‌فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا * وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۱۸-۱۹] (همانا الله از مؤمنان راضی شد و آن وقتی بود که زیر درخت با تو بیعت کردند و آنچه را که در قلبهایشان است را دانست و آرامش را بر آنها نازل نمود و پیروزی نزدیکی را پاداش آنها قرار داد * و [همچنین] غنیمتهای فراوانی که آنها آن را بدست می‌آورند و الله بسیار با عزت بسیار با حکمت است).

سبب این بیعت، دلیلی معروف دارد که در کتابهای سیره آمده است و آن این است که رسول الله صلی الله علیه و آله عثمان بن عفان رضی الله عنه را فرستاد تا به قریش بگوید که آنها برای جنگ نیامده‌اند و آنها فقط برای زیارت بیت الحرام و بزرگداشت حرمت آن، آمده‌اند. قریش آنها را از آن بازداشتند و به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید که عثمان رضی الله عنه کشته شده است. او فرمود: «ادامه می‌دهیم تا آن که آن گروه را به سزای اعمالشان برسانیم» مردم را به سوی این بیعت خواند و آن بیعت رضوان در زیر درخت بود، یعنی که هیچکدام از مسلمانان از آن تخلف نکردند، مگر جد بن قیس. تعداد صحابه‌ای که با او در آن روز بیعت نمودند،

هزار و چهارصد نفر بود، همان گونه که بخاری (بخاری) و مسلم از جابر رضی الله عنه روایت کرده‌اند.

در این آیاتی که درباره‌ی منزلت این بیعت نازل شده است:

- الله تعالی آشکار نموده است که از اصحاب این بیعت راضی می‌باشد. به همین دلیل این بیعت، بیعت رضوان نام گرفت: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ (همانا الله [متعالي] از مؤمنان هنگامی که زیر درخت با تو بیعت کردند، راضی شد).

- قلبهای آنها را پاک معرفی کرد و از روی وفا و راستگویی آنها، بر آن قلبها آرامش نازل نمود: ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ (پس آنچه در قلبهای آنها وجود دارد را شناخت و بر آنها آرامش نازل نمود).

- نتیجه‌ی رضایتمندی از آنها و علم او به قلبهای آنان باعث شد تا آرامش، پیروزی و غنیمت را پاداش آنها قرار دهد. می‌فرماید: ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا * وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (آنچه در قلبهای آنان است را دانست و آرامش را بر آنها نازل نمود و پیروزی نزدیکی را پاداش آنها قرار داد * و [همچنین] غنیمت‌های زیادی که آنها را بدست می‌آورند و الله بسیار با عزت بسیار با حکمت است).

همچنین آنها کسانی بودند که الله تعالی کلمه‌ی تقوا - کلمه‌ی توحید - را همراه آنان نمود و آنان کسانی بودند که برای این توصیف سزاوارتر بوده و از اهل آن بودند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الفتح: ۲۶] (و هنگامی که کافران تعصب جاهلیت را در قلب آنها جای دادند و الله آرامش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل نمود و آنان را با کلمه‌ی تقوا همراه ساخت و آنان به آن سزاوارتر بودند و اهل آن بودند و الله به هر چیزی داناست).

در بین اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله افرادی از اهل کتاب بودند که ایمان آورده بودند و درباره‌ی آنها الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ * وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾ [آل

عمران: ۱۱۳-۱۱۵] آنها همه یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی پابرجا هستند که آیات الله را در قسمتی از شب می‌خوانند و سجده می‌نمایند * به الله و آخرت ایمان دارند و به نیکی امر می‌کنند و از جدی‌جاز می‌دارند و در امور خیر شتاب می‌نمایند و آنان از صالحان هستند * آنچه از خیر انجام می‌دهند، هرگز به هدر نمی‌رود و الله به پرهیزگاران آگاه است.

نزد بسیاری از مفسران مشهور است که این آیات درباره‌ی بزرگان دینی اهل کتاب به مانند: عبد الله بن سلام، أسید بن عبید، ثعلبه بن شعبه و دیگران * نازل شده است و الله متعال درباره‌ی آنها گواهی داده است که دارای صلاح، ایمان به الله تعالی، ایمان به آخرت، دیگر خصلت‌های خیر و پایه‌های ایمان می‌باشند.

اوصاف آنها در قرآن

مؤمنانی حقیقی هستند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَتَصَرَّوْا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴] (و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه الله جهاد کردند و کسانی که [به آنها] پناه دادند و [آنان را] جاری نمودند، [آنان همان] مؤمنان حقیقی هستند و بری آنها آمرزش و رزقی گرامی خواهد بود).

آنان «الراشدون» (راه‌یافتگان) هستند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ لِلْإِيمَانِ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ [الحجرات: ۷] (ولی الله ایمان را در نزد شما دوست‌داشتنی قرار داد و آن را در قلب‌هایتان زینت داد و کفر و فسق و عصیان [گناهان صغیره] را در نظر شما زشت جلوه داد، آنان همان راه‌یافتگان هستند).

«الفائزون» (کامیابان):

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لِلَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [التوبة: ۲۰] (کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه الله با مال‌هایشان و جان‌هایشان جهاد نمودند، نزد الله دارای درجه‌ی بالاتری می‌باشند و آنان همان

کامیابان هستند).

«الصادقون» (راستگويان):

الله تعالى می فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَتُصَرَّوْنَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸] [آن فیء همچنین] برای مهاجرین فقیر است کسانی که از سرزمین شان و اموالشان اخراج شدند و خواستار فضل و بخششی از الله و رضایتمندی [وی] هستند و الله و فرستاده اش را یاری می کنند، آنان همان راستگويان می باشند).

الله تعالى از آنها راضی شده است و آنان از وی راضی شدند:

الله تعالى می فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰] (بیشی گیرندگان اولیه از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها به نیکی تبعیت می کنند، الله از آنها راضی شد و آنها از وی راضی شدند و برای آنها باغهای آماده نموده که از زیر آن نهرها جاری است، در آن تا ابد جاودان خواهند ماند و آن کامیابی بزرگی است).

أهل قبول شدن توبه و رحمت هستند:

الله تعالى می فرماید: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷] (الله توبه ی پیامبر، مهاجرین و انصار را پذیرفت، کسانی که در هنگام سختی از او تبعیت کردند و این بعد از آن بود که نزدیک بود که گروهی از آنان، قلبهایشان منحرف گردد، سپس توبه ی آنها را پذیرفت و او به آنها مهربان و دائماً رحمت کننده است).
از طرف پروردگارشان به آنها بشارت داده شده است:

الله تعالى می فرماید: ﴿لِلَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ﴾ [التوبة: ۲۰-۲۱] (کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه الله با مالهایشان و جانهایشان جهاد نمودند، دارای درجه ی بالاتری می باشند و آنان همان کامیابان هستند *).

پروردگار آنها به آنان رحمتی از طرف وی و رضایمندی و باغهایی که در آن نعمتهای دائمی وجود دارد را بشارت داده است).

بهترین امتی هستند که برای مردم آفریده شده‌اند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] (شما بهترین امتی هستید که برای مردم آفریده شده‌اید، به نیکی امر می‌کنید و از بدی نهی می‌نمایید و به الله ایمان دارید).

أهل تقوا:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الفتح: ۲۶] (و هنگامی که کافران تعصب جاهلیت را در قلب آنها جای دادند و الله آرامش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل نمود و آنان را به کلمه‌ی تقوا همراه ساخت و آنان به آن سزاوارتر بودند و اهل آن بودند و الله به هر چیزی داناست).

موجب خشم کافران می‌شوند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي النَّجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹] (و توصیف آنها در انجیل این گونه است: به مانند زراعتی هستند که جوانه‌هایش بیرون زده است و آن را محکم کرده است و سخت شده است و بر ساقه‌هایشان راست ایستاده‌اند، به گونه‌ای که مایه‌ی تعجب کشاورزان می‌شوند، تا [بدین وسیله] کافران را به خشم آورند، الله [تعالی] به کسانی از آنها که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده‌ی آمرزش و اجری بزرگ داده است).

امام مالک رحمه الله از این آیه استنباط نموده است که رافضیان، کسانی که نسبت به صحابه رضی الله عنهم بغض می‌ورزند، کافر هستند. گفته است: زیرا آنها (رافضیان) از آنان (صحابه رضی الله عنهم) خشمگین می‌شوند و کسی که به صحابه خشم نماید، طبق این آیه کافر است.

آیا افرادی که از آنان سخن به میان آمده است فقط تعداد

معدودی بوده‌اند یا آن که لشگری بزرگ بوده‌اند؟

آیا اجتماع صحابه علیهم السلام که الله تعالی به حقیقت ایمان آنها گواهی داده است و آنان را در هدایت، کامیابی، رستگاری و راستگویی ستایش فرموده است، آیا افراد کمی بوده‌اند که نتوانستند دعوت به سوی الله تعالی را یاری دهند و توسط آنها دولتی برپا نشد یا آن که قدرت بزرگ و لشگری بسیار گران بودند که الله تعالی توسط آنها دعوت حق را یاری نمود و بر شانه‌های آنها حکومت اسلامی را برپا داشت؟

این سوالی است که آیات قرآن و بدیهیات عقلی و حقایق تاریخ جواب آن را داده است!

هملنا الله تعالی با قوت دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله توسط یاری دادن و کمک مؤمنان منت نهاد.

﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۲] (و اگر بخواهند تو را فریب دهند، الله برای تو کافی است، او کسی است که با یاری‌اش و با مؤمنان تو را توان داد و قدرت بخشید).
گریزی نیست که آن مؤمنان باید به حد نصایی برسند که پیروزی توسط آنها تحقق یابد و در برابر دشمنان الله تعالی قدرت مقابله وجود داشته باشد و اگر نه یاد نمودن آنها در این آیه عبث است و یاد نمودن آنها به بزرگی، منفعتی ندارد.

- کسانی که در بدر حضور داشتند، الله تعالی پاکی ایمان آنها را بیان نموده است و سخن در این باره در قبل آمد که آمرزشی برای آنها خواهد بود و آنان لشگری پابرجا بودند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر بود که خاص و عام آن را می‌دانند.

- کسانی که با رسول الله صلی الله علیه و آله در زیر درخت بر جنگ با اهل مکه بیعت نمودند. الله تعالی رضایت از آنها را در قرآن اعلان نمود و گریزی نیست که آنها باید لشگری باشند تا بتوانند این تکلیفی که در بیعت آمده است را انجام دهند. باید به حد نصایی برسند که بتوانند در آن میدان جنگ شرکت کنند و همان طور که در سند آمده است تعداد آنها هزار و چهارصد نفر بوده است.

- کسانی که از رسول الله صلی الله علیه و آله در زمان سختی، تبعیت نمودند و الله تعالی پذیرفته شدن توبه‌ی آنها را بیان داشته است و مهربانی و رحمت خود به آنها را روشن نموده است. آیا امکان دارد در حالی که همراه رسول الله صلی الله علیه و آله به

جنگ با روم اقدام نمودند تعداد آنها از انگشتان دست تجاوز ننماید یا آن که باید لشگری بزرگ باشند که امید به پیروزی آنها در مقابل دلاورترین دشمن و بزرگترین قدرت و عظیم‌ترین دولت در آن زمان، وجود داشته باشد؟

تعداد مسلمانان در آن واقعه حدود سی هزار نفر بوده است، همان گونه که در سندهای سیره و تاریخ آمده است. کسانی که این مطالب را قبول نمی‌کنند به خودشان ضرر می‌رسانند و حقیقت و تاریخ را می‌پوشانند و می‌پندارند، که از اصحاب رسول الله ﷺ فقط سه نفر بر حق باقی ماندند یا حد اکثر ده نفر و به بقیه‌ی آن بزرگواران نسبت کفر و ارتداد می‌زنند^۱.

آن افترا زندگان کجا هستند در مقابله این آیات روشن و حقیقت‌های استوار؟! آیا ممکن است که بتوان این افتراها را بیان داشت، مگر با طعنه زدن به قرآن و شک ایجاد نمودن در درستی آن؟ این عمل بسیاری از غلوکنندگان آنها است تا جایی که بعضی از آنها برای تهمت زدن به قرآن و اثبات تحریف آن کتابهایی نوشته‌اند!!

جانشین شدن آنها بر روی زمین و دلیل آن:

الله تعالی به اصحاب پیامبرش ﷺ وعده داده است که از آنها جان‌نیشانی بر روی زمین قرار می‌دهد و به دینی که از آن برای آنها راضی شده است، منزلت می‌دهد و بعد از ترسی که داشتند برای آنها امنیت و آرامش قرار می‌دهد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [النور: ۵۵] (الله [متعال] به

کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را بر روی زمین جان‌نشین قرار می‌دهد، همان گونه که نفرات قبل از آنها را جان‌نشین قرار داده بود و دین آنها را که از آن برای آنها راضی شده است، برای آنها جابرجا و استوار می‌گرداند و ترس آنها را به ایمنی تغییر خواهد داد. مرا

^۱ - نزد آنها چهار حدیث متضاد وجود دارد: در یکی از آنها آمده است که بعد از پیامبر ﷺ فقط سه نفر بر اسلام باقی می‌مانند و در دیگری فقط پنج نفر و در دیگری فقط هفت نفر و در دیگری فقط نه نفر بر اسلام باقی می‌مانند. (مترجم)

می‌پرستند و به من ذره‌ای شرک نمی‌ورزند و کسانی که بعد از آن کفر می‌ورزند، آنان همان فاسقان هستند).

این وعده‌ی الله تعالی به تحقق پیوست و هنوز پیامبر ﷺ وفات ننموده بود که الله تعالی مکه، خیبر، بحرین و بقیه‌ی شبه جزیره‌ی عربی و تمامی یمن را برای آنها فتح نمود. او از آتش پرستان هجر و بعضی قسمتهایی از شام جزیه گرفت و پادشاه روم و صاحب مصر مقوقس و پادشاهان عمان و نجاشی پادشاه حبشه برای او هدیه فرستادند.

سپس امر را خلیفه‌ی او ابوبکر صدیق ﷺ به عهده گرفت و لشکران اسلام را به سوی سرزمین فارس و با امیری خالد بن ولید ﷺ فرستاد و قسمتی از آن را فتح نمودند و بعضی از اهل آن را به قتل رساندند و لشگری دیگر توسط ابوعبیده به سوی سرزمین شام فرستاده شد و الله برای او بصره و دمشق را فتح نمود و سومین امیر عمرو بن عاص بود که به سوی مصر رفت و بعد از آن الله ﷻ جان وی را ستاند.

بعد از او عمر فاروق ﷺ امر را برپا داشت و جهان بعد از پیامبران کسی را به قوت او در سیره و کمال عدالت ندیده است، در زمان او سرزمین شام به طور کامل فتح شد و سرزمین مصر و بیشتر اقلیم فارس نیز فتح شدند و کسری را شکست داد و او را به طور کامل خوار نمود و قیصر را شکست داد و دست او را از شام کوتاه نمود و او را به سوی قسطنطنیه فراری داد و اموال آن افراد را در راه الله تعالی اتفاق نمود.

سپس عثمان ﷺ امر را بعد از او برپا داشت و در زمان او سرزمین‌های اسلامی تا دورترین مناطق مشرق و مغرب امتداد یافت. سرزمین مغرب تا دورترین جای آن فتح شد و قبرص و سرزمین قیروان و دیگر سرزمین‌ها. از طرف مشرق تا سرزمین چین کشانده شد و کسری کشته شد و تمامی سرزمینش را از دست داد، مدائن عراق و خراسان و اهواز فتح شد و مسلمانان با ترکها جنگ بزرگی داشتند و الله تعالی، پادشاه بزرگ آنان خاقان را ذلیل نمود و مالیات از مشرقها و مغربهای زمین به سوی امیر المؤمنین عثمان بن عفان ﷺ فرستاده شد و آن به برکت تلاوت قرآن توسط وی و دراست او و جمع نمودن امت به حفظ قرآن بود.

اما دلیل این فتوحات بزرگ چه بود؟

اول: گواهی دادن الله به این که آن فاتحان ایمان داشتند و عمل

صالح انجام می‌دادند و توحید آنها خالص بود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

[النور: ۵۵] الله [متعال] به کسانی که شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را بر روی زمین جانشین قرار می‌دهد، همان گونه که نفرات قبل از آنها را جانشین قرار داده بود.

دوم: درست بودن امامت، امامان چهارگانه، زیرا الله ﷻ وعده با

جانشینی کسانی داده است که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و

آنها از کسانی بودند که در زمان محمد ﷺ حاضر بودند و آن امری که معلوم

است این وعده بعد از رسول ﷺ به وقوع خواهد پیوست. زیرا خلیفه شدن کسی

به غیر از او باید بعد از او اتفاق بیافتد و امری که مسلم است این است که

پیامبری بعد از او نخواهد بود و روشن می‌شود که منظور از آن جانشینی،

جانشینی در امامت است و امری که معلوم است این است که جانشینی بعد از

رسول الله ﷺ با این وصف فقط در زمان ابوبکر، عمر و عثمان ﷺ اتفاق افتاد و

در زمان آنها فتوحان بزرگ به وقوع پیوست و دین پایرجا شد و امنیت حاصل

شد و این در زمان علی ﷺ اتفاق نیافتاد، زیرا او با کافران به علت مشغولیتش با

جنگ با اهل قبله که با او مخالف نمودند، جهاد نمود. پس با این آیه درستی

خلافت آنها مشخص می‌شود.

سوم: دینی که الله تعالی برای آنها برپا داشت و آن را در مشرق

و مغرب انتشار داد، همان دین حق الله تعالی است که از آن راضی شده است و

آن را تأیید نموده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ

لَهُمْ﴾ [النور: ۵۵] (و برای آنها دینشان را پایرجا می‌داریم که از آن برای آنها

راضی شده است).

حالا ای اهل خرد:

درباره‌ی کسانی که می‌پندارند آن خلفای فاتح بزرگ و کسانی که

وعده‌ی الله تعالی توسط آنها واقع شد، به الله تعالی و رسولش ﷺ و مؤمنان

خیانت کردند و تمامی آنها به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و آن دینی که نشر

دادند و مصحفی که بالا بردند، از دین اسلام نمی‌باشد و ذره‌ای از مصحف

مسلمانان نیست، چه باید کرد؟

پاک هستی ای الله! این تهمت بزرگ است!

بشارت الله تعالی به آنها که آنان را داخل بهشت می‌نماید:

گواهی دادن قرآن کریم به اصحاب محمد ﷺ به امور دنیوی ختم نمی‌شود، بلکه شامل حسن خاتمه در هنگام مرگ نیز می‌باشد و به دنبال آن وعده‌ی الله تعالی به آنان می‌آید که به آنها وعده‌ی آمرزش و رضوان و نیکویی پاداش در بهشت نیز می‌دهد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰] (و پیشی گیرندگان اولیه از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها تبعیت می‌کنند، الله از آنها راضی شده است و آنها از او راضی شدند و برای آنها باغهایی مهیا نموده است که از زیر آن نهرها جاری است، تا ابد در آن جاودان هستند و آن کامیابی بزرگی است).

در این آیه، الله ﷻ باخبر می‌فرماید که از پیشی گیرندگان اولیه از مهاجرین و انصار و تبعیت کنندگان از آنها در نیکی، راضی می‌باشد و در نتیجه‌ی این رضایتمندی برای آنها بهشت‌های پُر نعمت را مهیا نموده است و این دلیلی بر مردن در حالت ایمان است و این گواهی از آیات محکم قرآن می‌باشد [و از متشابهات نمی‌باشد]. کجایند کسانی که به افرادی دشنام می‌دهند که الله تعالی از آنها راضی شده است و به آنها وعده‌ی بهشت جاویدان و کامیابی ابدی داده است؟

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْثَاقِ لُهُمُ الْخَيْرَاتِ وَأَوْثَاقُ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ * ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۸۸-۸۹] (ولی رسول و کسانی که همراه او ایمان آورده‌اند، با مالهایشان و جانت‌هایشان جهاد می‌کنند و برای آنها تمام نیکی‌ها و خیرها می‌باشد و آنها همان رستگاران هستند * الله [متعال] برای آنها بهشت‌هایی را مهیا نموده است که از زیر آن نهرها جاری است، در آن جاویدان هستند، آن کامیابی بزرگی است).

در آن وعده‌ای گرامی از طرف الله ﷻ برای رسول و کسانی که همراه او ایمان آورده‌اند می‌باشد، وعده‌ی به نیکی و امور خیر و درجات بالا در بهشت فردوس. آیا می‌شود این امر برای گروهی باشد که الله تعالی می‌داند، آنها مرتد می‌شوند و بعد از وفات پیامبرشان به گذشته‌ی جاهلی خود باز می‌گردند؟! آیا آنان فقط سه نفر یا ده نفر بودند، همان گونه که بعضی این گونه می‌پندارند یا آن که لشگری بودند که الله تعالی توسط آنها یاری و پیروزی خود را محقق نمود و آنان را در برابر لشگریان روم که در آن زمان قوی‌ترین و بزرگترین دولت بود، تمکین داد؟

الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۹-۲۲] (آیا کسانی را که به حاجیان آب می‌دهند و مسجد الحرام را آباد می‌کنند را به مانند کسی قرار می‌دهید که به الله و آخرت ایمان آورده‌اند و در راه الله جهاد می‌کنند؟ آنان نزد الله یکسان نیستند و الله گروه ظالمان را هدایت نمی‌نماید * کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه الله با مالهایشان و جانهایشان جهاد نمودند، دارای درجه‌ی بزرگتری نزد الله می‌باشند و آنان همان رستگاران هستند * پروردگار آنها به آنان بشارت رحمتی از جانب وی و رضوان و بهشت‌هایی برای آنها که در آنها نعمتهای دائمی وجود دارد، داده است * در آن تا ابد جاودان خواهند ماند، همانا نزد الله اجر بزرگی وجود دارد).

در این آیات الله تعالی درباره‌ی اصحاب پیامبرش ﷺ گواهی داده است که کسانی که ایمان آورده‌اند و هجرت نمودند و در راه الله متعال با مالها و جانهایشان جهاد کردند، برای آنها و کامیابی و درجات بالا وجود دارد و به آنها بشارت رحمتی از طرف وی و رضوان و نعمتهای دائمی در بهشتهای پر نعمت، داده است.

آیا می‌شود این گواهی دادن‌ها و آن بشارت برای گروهی باشد که الله متعال می‌دانسته است، آنها بعدها از دینشان مرتد می‌شوند و در حالی

می‌میرند که کافر شده‌اند؟

آیا می‌شود به صحابه رضی الله عنه بعد از شرح این آیات نسبت کفر داده شود، مگر آن که این آیات تکذیب شوند یا آن که بگوییم رضی الله عنه به احوال آنها جاهل بوده است و به کسانی وعدهی بهشت داده است که نمی‌دانسته است زندگی آنها چگونه به پایان می‌رسد؟ رضی الله عنه به شدت از این امر والا تر است. رضی الله عنه می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى

الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹]

(محمد فرستاده‌ی الله است و کسانی که همراه او می‌باشند، به کافران شدت عمل دارند و بین خودشان مهربانند، آنها را رکوع کننده [و] سجده کننده می‌بینی که در پی کسب فضلی از طرف الله و رضوانی می‌باشند، اثر سجده در چهره‌های آنها نمایان است [و] این مثال آنها در تورات است و توصیف آنها در انجیل این گونه است: به مانند زراعتی هستند که جوانه‌هایش بیرون زده است و آن را محکم کرده است و سخت شده است و بر ساقه‌هایشان راست ایستاده‌اند، به گونه‌ای که مایه‌ی تعجب کشاورزان می‌شوند، تا [بدین وسیله] کافران را به خشم آورند، الله [تعالی] به کسانی از آنها که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده‌ی آمرزش و اجری بزرگ داده است).

الله تعالی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را به زیاد نماز خواندن توصیف نموده است و همچنین داشتن اخلاص در نماز نسبت به الله تعالی و این که به دنبال ثواب زیادی می‌باشند، سپس آنها را به نیکویی راه و روشی توصیف نموده است که اخلاص نیت آنها و نیکویی اعمالشان را می‌رساند، سپس به آنها وعده‌ی آمرزش و اجری بزرگ داده است. وعده‌ی الله تعالی حق بوده و راست می‌باشد و هرگز خلف وعده نمی‌نماید و آن تغییر نمی‌کند. این قطعیت ایمان راستین آنها را می‌رساند که با آن زندگی کردند و بر آن وفات نمودند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ

الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» [النساء: ۹۵]. [مؤمنانی که بدون عذری
 [برای جهاد، در خانه] نشسته‌اند با مجاهدانی که در راه الله با مالهایشان و
 جانهایشان جهاد می‌کنند، یکسان نیستند، الله مجاهدان با مالهایشان و
 جانهایشان را بر [کسانی که در خانه] نشسته‌اند به درجات بالایی فضیلت داده
 است و الله به همه‌ی آنها وعده‌ی نیک داده است و الله مجاهدان را بر نشستگان
 [در خانه] با اجر بزرگی فضیلت داده است).

در این آیه بیان برتری دادن مجاهدان با مالها و جانهایشان بر
 کسانی که مؤمن هستند و بدون عذری در خانه نشسته‌اند، آمده است و به
 تمامی آنها وعده‌ی نیک داده است و آن بهشت و پاداشی بزرگ است و این در
 حالی است که درجات آنها فرق می‌کند، وعده‌ی الله تعالی راست است و هرگز
 خلف وعده نمی‌نماید. آیا می‌شود الله متعال به کسانی وعده‌ی بهشت دهد که
 بعد از آن مرتد می‌شوند و به گذشته جاهلی خود باز می‌گردند و در حالی
 می‌میرند که کافر می‌باشند!!!

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلْ أُولَئِكَ أَكْثَرُ
 دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰] (و شما را چه شده است که در راه الله اتفاق نمی‌کنید و
 میراث آسمانها و زمین برای الله است. از شما کسانی که قبل از فتح اتفاق
 نمودند و جنگیدند [با کسانی که بعد از آن اتفاق کرده‌اند و جنگیدند] یکسان
 نیستند. آنان دارای درجه‌ی عظیم‌تری نسبت به کسانی که بعد از [فتح] اتفاق
 نمودند و جهاد کردند می‌باشند و الله [تعالی] به همه‌ی آنها وعده‌ی نیک داده
 است و الله به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است).

این آیه بیان می‌دارد که کسانی که قبل از فتح اتفاق نمودند و
 جهاد کردند دارای درجه‌ی بالاتری نسبت به کسانی هستند که بعد از آن اتفاق
 نموده‌اند. سپس به همه‌ی آنها وعده‌ی نیکو داده شده است، به این معنا که فرق
 اتفاق کنندگان قبل از فتح و بعد از آن در اندازه‌ی پاداش است.

سوالی که کمی پیش را آوردیم دوباره تکرار می‌کنیم: آیا می‌شود
 الله تعالی به افرادی وعده‌ی نیکو دهد در حالی که می‌دانسته است که آنها در
 حالت کفر خواهند مُرد؟!!!

و آنها به آن ایمان دارند * و وقتی [قرآن] برای آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: «ایمان آوردیم به آن زیرا آن حقی از طرف پروردگارمان است و ما قبل از آن مسلمان بودیم» * آنان اجرشان دو برابر داده می‌شود و آن بواسطه‌ی آن است که صبر نمودند و بدی را با نیکی از میان بردند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند).

بشارت دادن صحابه به بهشت دلیلی از پاکی آنها از نفاق است

دلایلی که در قبل در مورد بشارت دادن صحابه علیهم‌السلام به بهشت بیان شد و وعده‌ی الله تعالی به آنها به نیکویی و نعمت دائمی در روز قیامت، دلیلی قطعی از قرآن می‌باشد که صحابه علیهم‌السلام از نفاق پاک بوده‌اند. امری که افترا زندگان آن را به صحابه علیهم‌السلام نسبت می‌دهند و دلیل آنها، شبهه‌ای است که در مدینه منافق وجود داشته است.

این در حالی است که الله تعالی به منافقان وعید آتش جهنم را داده است و بلکه به آنها وعید داده است که آنها در پایین‌ترین درک جهنم می‌باشند. الله تعالی می‌فرماید:

- ﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۳۸] (به منافقان

بشارت بده که برای آنها عذابی دردناک خواهد بود).

- ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَرِيحًا﴾

[النساء: ۱۴۵] (منافقان در پایین‌ترین درک جهنم (بدترین جای آن) خواهند بود و برای آنها یاری رسانی نمی‌یابی).

این در حالی است که الله تعالی صحابه‌ی پیامبرش بشارت بهشت داده است: به اهل تبوک بشارت داد و آنها سی هزار نفر بودند؛ به اهل بیعت رضوان بشارت داد و آنها هزار و چهارصد نفر بودند؛ به اصحاب بدر بشارت داد و آن سیصد و سیزده نفر بودند. آیا صحیح است به لشگرهای بزرگی که چنین بشارت‌هایی به آنها رسیده است، نسبت نفاق داد؟ این امر صورت نمی‌گیرد، مگر بر اساس تکذیب کردن قرآن یا نسبت ناقص بودن به الله تعالی دادن. الله تعالی از آنچه می‌گویند، بسیار بالاتر است. همان طور که قرآن، بعضی از آنها را به جاویدان بودن در بهشت خطاب قرار داده است، پس باید به بعضی از آنها به جاودان بودن در آتش جهنم وعید می‌داد؟!

اما وجود داشتن تعدادی منافق در مدینه، این دلیل از خلتی

عنکبوت ضعیف تر است، زیرا منافقان امری پوشیده از امت نبودند و تعداد آنها زیاد نبود و بیشتر افراد را شامل نمی‌شد و فقط تعداد کم و شناخته شده‌ای بودند و افرادی خوار و رسوا شده می‌بودند و بعضی از آنها را آشکارا می‌شناختند و بعضی دیگر را از خصوصیات آنها می‌شناختند. آن منافقان به وجود آورنده‌ی اتفاق مهمی در تاریخ دعوت نبوده‌اند و در پیروزی‌ها و فتوحات آن تأثیری نداشتند، مگر با بددلی و بازداشتن آنان توسط صحابه رضی الله عنهم. در سطرهای بعدی درباره‌ی این شبهه به طور کامل صحبت خواهیم نمود.

منافقان در مدینه فقط تعداد کمی بودند

نفاق علامت خواری و کوچک شدن است

در مکه منافقی معرفی یا شناخته نشد و فقط شروع آن از مدینه آغاز گشت.

اگر نفاق امر زیادی بوده است، آن قدرت می‌گرفت و اهل آن غلبه می‌نمودند و به همین دلیل است که منافقان به صحابه رضی الله عنهم اظهار صلح می‌نمودند یا آن که از آنها می‌ترسیدند و این در نتیجه‌ی آن بود که آنها در قلبهایشان کافر بودند و دین را مورد استهزاء قرار می‌دادند. تعداد منافقان در مدینه بسیار کم بود و ذلیل بودند و دلیل آن این است که آنها آنچه از کفر را که پنهان نموده بودند، نمی‌توانستند آشکار کنند [و اگر قدرتی داشتند، کفر خود را آشکار می‌نمودند] تا از راستگویان باشند و با مسلمانان وارد جنگ شوند؛ به همین دلیل این کفر در قلبهایشان مخفی ماند و آشکار نشد، مگر آن که از سخنان آنها آنان را می‌شناختند یا آن که از ترسشان با دعوت مخالفت نمی‌کردند.

الله تعالی به مؤمنان وعده داده است که حقیقت منافقان را آشکار

می‌نماید:

تا آن که از مؤمنان کسی باقی نماند که از امر آن منافقان بی‌اطلاع باشد. الله تعالی به بندگان مؤمنش وعده داده است که برای آنها خبیث را از پاک جدا می‌کند و پوشش منافقان را بر می‌دارد، گاهی به شکل علنی کردن که در مورد بعضی از آنها این کار را انجام داد و گاهی با بیان صفات آنها که همان اصل است.

الله تعالی می فرماید: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَتُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۹] (این گونه نیست که الله مؤمنان را بر حالتی که شما بر آن هستید، رها سازد، بلکه الله [تعالی] ناپاک را از پاک جدا می نماید و الله شما را از غیب آگاه نمی نماید، ولی [برای آن که از علم غیب آنچه را که نیاز دارید، بدانید] از فرستادگانش هر که را بخواهد، بر می گزیند [و او آنچه را که از علم غیب نیاز دارید از الله تعالی می آموزد و به شما آموزش می دهد]، پس ایمان بیاورید به الله و فرستادگانش و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه سازید، برای شما اجر بزرگی خواهد بود).

به این معنا که الله تعالی امور سختی را پیش می آورد تا توسط آن مؤمن صبور و منافق گناهکار شناخته شوند.

الله تعالی می فرماید: ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ * وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ﴾ [محمد: ۲۹-۳۰] (آیا کسانی که در قلبشان مرض وجود دارد، پنداشته اند که الله [متعال] کینه هایشان را آشکار نمی کند * و اگر می خواستیم آنان را به تو نشان می دادیم. آنها را از صورتهایشان شناختی و آنان را از سبک سخن گفتنشان می شناسی و الله از اعمال شما آگاه است).

الله تعالی نخواست تا پیامبر ﷺ را از تک تک آنها مطلع گرداند تا آن که پرده از مخلوقاتش بردارد و به این سبب که مسائل باید با ظاهر آن جواب داده شود و اسرار را باید به عالم آن (الله تعالی) رجوع داده شود. ولی پیامبر ﷺ آنان را با سبک سخن گفتن می شناخت و از آنچه آنها سخن می گفتند، هدفهای آنها شناخته می شد و به همین دلیل امر آنها را بر رسوایی و آبروریزی قرار گرفت و در بیان همگی آنها از کسی نترسید.

امتحان و اثر آن بر پرده برداشتن از حقیقت منافقان:

پشت سر هم امتحانهایی در مدینه صورت گرفت تا بر اثر آن از حقیقت منافقان پرده برداشته شود، به طوری که آنها افراد ناشناخته ای در میان امت نبودند، بلکه عده ی بسیار کمی بودند که الله تعالی برای آنها رسوایی در دنیا و پرده برداشتن از مخفی کاری آنها را به جلو انداخت.

در غزوه‌ی احزاب موضع‌گیری مؤمنان و منافقان مشخص شد.

- مؤمنان آنچنان که الله تعالی می‌فرماید، گفتند: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» [الأحزاب: ۲۲] (وقتی مؤمنان لشکرها را دیدند، گفتند: «این همان چیزی است که الله و رسولش به ما وعده داده‌اند و الله و رسولش راست گفتند» و بر آنها چیزی افزوده نشد، مگر ایمان و تسلیم [به امر الله متعال]).

- ولی منافقان آنچنان که الله تعالی می‌فرماید، گفتند: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا * وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» [الأحزاب: ۱۲-۱۳] (و وقتی منافقان و کسانی که در قلبهایشان مرض وجود دارد گفتند: «الله و رسولش به ما وعده‌ای ندادند، مگر فریب» * و آن هنگام گروهی از زنان گفتند: «ای اهل یثرب، توان رویارویی ندارید، پس برگردید!» و گروهی از آنها از پیامبر اجازه خواستند [تا از جهاد خودداری کنند و] گفتند: «خلنه‌های ما بدون حفاظ است» و آن بدون حفاظ نبود و آنها جز فرار چیزی نمی‌خواستند). از حقیقت آنها پرده برداشته شد و نفاق آنها علنی شد.

در غزوه‌ی تبوک اهل نفاق تخلف کردند و گفتند: «در گرما بیرون نروید!» و این در حالی بود که اصحاب رسول الله ﷺ با سختی با خود توشه و آب برداشتند و از شدت گرما و حرارت در آن روز، ایمان آنها به الله تعالی و تصدیق وعده‌ی وی آشکار شد.

الله تعالی درباره‌ی اهل نفاق می‌فرماید: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ * فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلَيَكُونَنَّ كَثِيرًا حَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [التوبة: ۸۱-۸۲] (کسانی که تخلف ورزیدند از نشستنشان [در خانه و] مخالفت با رسول الله شاد شدند و از آن که با مالهایشان و جانهایشان در راه الله جهاد کنند، کراهت ورزیدند و گفتند: «در گرما خارج نشوید!» بگو: «آتش جهنم گرمای شدیدتری دارد، اگر آنها بفهمند» * پس کم بخندند و زیاد گریه کنند که این مجازات آنها از کارهایی

است که انجام می‌دهند).

درباره‌ی اهل ایمان می‌فرماید:

﴿لَکِنَ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ * أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۸۸-۸۹] (ولی رسول و کسانی که همراه او ایمان آورده‌اند، با مالهایشان و جانهایشان جهاد می‌کنند و برای آنها تمام نیکی‌ها و خیرها می‌باشد و آنها همان رستگاران هستند * الله [متعال] برای آنها بهشت‌هایی را مهیا نموده است که از زیر آن نهرها جاری است، در آن جاویدان هستند، آن کامیابی بزرگی است).

این سختی‌ها تعدادشان کم نبود و به ندرت اتفاق نمی‌افتاد، بلکه هر ساله یکبار یا دو بار اتفاق می‌افتاد، امری که دوام داشت و دائماً از چهره‌ی آنها پرده بر می‌داشت و به طور مداوم جداسازی می‌نمود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۶] (آیا آنها نمی‌بینند که در هر سال یکبار یا دوبار مورد فتنه واقع می‌شوند، سپس توبه نمی‌نمایند و آنها پند نمی‌گیرند).

آن بد دلان و هلاک شدگان در برابر کسانی که هجرت کردند و با مالها و جانهایشان جهاد نمودند و یا کسانی که پناه دادند و [اسلام] را یاری نمودند و الله تعالی و فرستاده‌اش را تصدیق نمودند، کجا بودند؟؟ آن خوار شدگان در برابر اتفاقات بزرگی که تاریخ اسلام را رقم زد، کجا بودند؟ در پستوها پنهان شدند و در پرده‌ها خود را مخفی کردند و اصحاب محمد ﷺ از مهاجرین و انصار پیش قدم شدند تا با خونهایشان تاریخ اسلام را بنویسند، از آنها کسی بود که الله تعالی مقام شهادت به او داد و از آنها کسی بود که دارای منزلت و سروری شد. [الله تعالی خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:] آنها را با سبک سخن گفتنشان می‌شناسی:

همان گونه که اثر سختی‌ها متافقان را رسوا می‌نمود، تکه کلامها و سبک صحبت کردن آنها نیز خبانت آنها را آشکار می‌نمود و آنچه را که در سینه‌هایشان پنهان ساخته بودند، برملا می‌کرد.

الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَوْ تَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ﴾ [محمد: ۳۰] (و اگر می خواستیم آنان را به تو نشان می دادیم و آنها را از صورتهایشان شناختی و آنان را از سبک سخن گفتنشان می شناسی و الله از اعمال شما آگاه است).

وقتی مهاجرین و انصار رضی الله عنهما بر آب مریضی اجتماع نمودند، عبدالله بن ابی نتوانست کینه اش را پنهان دارد و کلمه ی کفری را به زبان آورد که آیات قرآن، آن را ثبت نمود.

الله تعالی می فرماید: ﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ لَنَا عَزْمًا مِنْهَا لِلَّذِلِّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَمَّا يَعْلَمُونَ﴾ [المنافقون: ۸] (می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، اشخاص باعزت، اشخاص خوارتر را از آن اخراج می کنند» و عزت برای الله و فرستاده اش و مؤمنان می باشد ولی منافقان نمی دانند).

در مقلبل، فرزند آن منافق که مؤمن بود و عبدالله نام داشت، با شمشیرش جلوی درب مدینه ایستاد و او را از داخل شدن به مدینه منع نمود. تا آن که رسول الله صلی الله علیه و آله به او اجازه داد و او به پدرش گفت: امروز خواهی دانست که چه کسی باعزت تر است و چه کسی خوارتر است!

یکی دیگر از آنها گفت: ما قاریانمان را نمی بینیم مگر آن که شکمهایشان بزرگ تر است و زبانهایشان دروغگو تر است و ترسانترین مردم هنگام جنگ می باشند. این امر به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و این در حالی بود که سفر را شروع نموده بود و بر شترش سوار بود. او گفت: ای رسول الله! ما فقط منظورمان شوخی و بازی است، فرمود:

﴿أَيَا لِلَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ * لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ [التوبة: ۶۵-۶۶] (آیا الله و آیاتش و رسولش را به شوخی گرفته اید * عذر نیاورید، همانا بعد از ایمانتان کافر شده اید، اگر گروهی از شما را عفو کنیم، گروهی دیگر را عذاب می کنیم، زیرا آنها مجرم هستند).

دو پایش به سنگی کشیده شد و رسول الله صلی الله علیه و آله متوجهی آن نشد و او خود را به شتر رسول الله صلی الله علیه و آله آویزان کرد. این چنین بودن که الله تعالی با این سخن از وی پرده برداشت و آن را در قرآنی نوشت که تا ابد خوانده می شود.

منظور این است که بنده‌ای امری را پنهان ننمود، مگر آن که الله تعالی آن را در صورت وی و سبک سخن گفتنش آشکار نمود. آنان کسانی بودند که نفاقشان را پنهان نمودند و الله تعالی کینه‌های آنان را آشکار نمود و نفاق آنها را در صورتهایشان و سبک سخن گفتنشان آشکار کرد و برای این امر از کسی نترسید.

این منافقان کجایند در برابر کسانی که الله تعالی، حقیقت ایمان آنها را خلقت نمود و آنها را به راستگویی و راه یافتگی توصیف فرمود و رستگاری و کامیابی آنها را به ثبت رساند و به آنها بشارت رحمت و رضوان خود را داد؟ چگونه می‌شود کسانی که الله تعالی گواهی به کفر و نفاق آنها را داده است با کسانی که حقیقت ایمان آنها را به ثبت رسانده است، مخلوط باشند؟ جواب دهید ای صاحبان خرد!

قرآن کریم منافقان را به رسوایی می‌کشد:

الله تعالی منافقان را رسوا می‌نماید و آنها را در بسیاری از آیات قرآن کریم به پیامبر ﷺ و بندگان مؤمنش معرفی می‌کند. تا آنجا که بر رسولش ﷺ سوره‌ی توبه را نازل می‌فرماید و آن سوره‌ی «الفاضة» نامیده شده است، چون منافقان را رسوا می‌کند.

مواردی که الله تعالی در این سوره بیان فرموده است:

تخلف نمودن از جهاد، برای پیامبر ﷺ آنها را در هنگام سختی‌ها رسوا می‌نماید، زیرا آنها دنیا را انتخاب نمودند و از جهاد کراهت داشتند. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنُوا أُولُو الْأَرْحَامِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ * رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۸۶-۸۷] (و وقتی سوره‌ای نازل می‌شود که به الله ایمان بیاورید و همراه فرستاده‌اش جهاد کنید، ثروتمندانی از آنها از تو اجازه می‌خواهند و می‌گویند: «ما را رها کن تا با کسانی باشیم که [در خانه] نشسته‌اند» * راضی شدند تا همراه زنان خانه نشین باشند و بر قلبهای آنها مهر زده شد و این در حالی است که آنها نمی‌فهمند).

کوشش نمودن در خبرچینی، دشمنی و فتنه

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا

وَلَا تُضِعُوا خِلَالَكُمْ يَتُوكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾
 لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ
 كَارِهُونَ ﴿التوبة: ٤٧-٤٨﴾ (اگر همراه شما [برای جهاد] بیرون می‌آمدند، بر
 شما چیزی نمی‌افزودند، مگر کمبود و آنها در بین شما حرکت می‌کردند [و این
 در حالی بود] که به دنبال فتنه‌انگیزی بودند و در بین شما کسانی هستند که به
 [سخنان] آنها گوش می‌دهند و الله به ستمکاران بسیار آگاه است ﴿همانا از
 قبل در پی فتنه‌انگیزی بودند و در امور قصد نیرنگ به تو را داشتند تا آن که
 حق آمد و امر الله آشکار شد، در حالی که آنها کراحت داشتند).

طعنه وارد کردن به قسمت نمودن [اموال] توسط رسول الله ﷺ و
 رضایتمندی و خشم آنها برای امور دنیوی.
 الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا
 مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ﴾ ﴿التوبة: ٥٨﴾ (و از آنها کسانی
 هستند که درباره‌ی [تقسیم نمودن] زکات از تو ایراد می‌گیرند و اگر از آن به
 آنها داده شود راضی می‌گردند و اگر از آن به آنها داده نشود، آنان خشمگین
 می‌گردند).

به این معنا که از تو درباره‌ی تقسیم صدقه و زکات عیب می‌گیرند
 و آنها برای دین ناراحت نمی‌شوند بلکه فقط برای بهره‌ی [دنیوی] ناراحت
 می‌شوند.

- آزار دادن رسول الله ﷺ

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ لَلَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنُ
 قُلٍّ أَذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَلَلَّذِينَ
 يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿التوبة: ٦١﴾ (و از آنها کسانی هستند که
 پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او خوش‌باور است»، بگو: «خوش‌باوری
 برای شما بهتر است»، [پیامبر ﷺ] به الله ایمان دارد و مشورت مؤمنان را
 می‌پذیرد و رحم‌تی برای کسانی از شماست که ایمان آورده‌اند و کسانی که
 رسول الله را آزار می‌دهند، برای آنها عذاب دردناکی خواهد بود).

به این معنا که در سخن گفتن او را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او
 خوش‌باور است، اگر کسی چیزی به او بگوید، او تصدیق می‌نماید و کسی که
 با او سخنی بگوید، مورد تأیید او قرار می‌گیرد، وقتی نزد او می‌رویم و برای او

قسم می‌خوریم، ما را تصدیق می‌کند». قرآن بر آنها رد آورده است که خوش باوری او ﷺ بهتر است، زیرا راستگو در برابر دروغگو شناخته می‌شود.

عذر آوردن آنها درباره‌ی ایمان و از روی گناه.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۶۲] (برای شما به الله قسم می‌خورند تا شما را راضی کنند و اگر آنها از مؤمنان هستند، الله و رسولش سزاوارتر هستند که از آنها راضی شوند).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿سَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ * ﴿يَحْلِفُونَ لَكُمْ لَتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ [التوبة: ۹۵-۹۶] (چون به سوی آنها برگردید برای شما به الله قسم می‌خورند تا از آنها صرفنظر کنید. از آنها صرفنظر کنید، زیرا آنها پلید هستند و منزلگاه آنان جهنم است، مجازاتی به واسطه‌ی آنچه کسب می‌کردند، می‌باشد) * برای شما قسم می‌خورند تا از آنها راضی شوید و اگر از آنها راضی شوید، الله از گروه فاسقان راضی نمی‌شود).

امر به بدی و نهی از نیکی و خودداری از انفاق کردن در راه الله: الله تعالی می‌فرماید: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَمُرُّونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَتَّبِعُونَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ۶۷] (مردان و زنان منافق از یکدیگر می‌باشند. به بدی امر می‌کنند و از نیکی نهی می‌نمایند و دستهایشان را [از انفاق کردن] بسته می‌دارند. الله را فراموش کرده‌اند و الله آنان را فراموش نموده است. همانا منافقان همان فاسقان هستند).

شکستن پیمان:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ * ﴿فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ خَلَوْا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مَعْرُضُونَ﴾ * ﴿فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْتَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ [التوبة: ۷۵-۷۷] (و از آنها کسانی هستند که با الله عهد می‌بندند که اگر به ما از بخشش چیزی عطا نماید، صدقه می‌دهیم و از صالحان می‌شویم) * وقتی به آنان از فضلش [چیزی] عطا می‌نماید، بخل می‌ورزند [و

اتفاق نمی‌کنند] و اعراض کنند روی بر می‌گردانند * در نتیجه در قلبهای آنها تا روزی که به دیدار وی می‌رسند، نفاق را قرار داد و این به واسطه‌ی شکستن پیمانی است که آنها با الله بسته بودند و به واسطه آن است که دروغ می‌گفتند).

در هر حالتی از مؤمنان عیب جویی می‌کنند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۹] (کسانی که از مؤمنانی که در صدقه دادن اشتیاق دارند و کسانی که چیزی جز به اندازه‌ی تاب و توانشان ندارند، عیب جویی می‌کنند و آنها را مسخره می‌نمایند. الله آنها را مورد مسخره قرار خواهد داد و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود).

به این معنا که هیچ کس از عیبجویی آنها سالم نمی‌ماند. درباره‌ی کسی که مال زیادی را صدقه دهد می‌گویند: او از روی ریا این کار را کرده است و کسی که چیز کمی را صدقه دهد می‌گویند: الله از این صدقه بی‌نیاز است و او را مسخره می‌کنند.

اتفاق کردن را ضرر می‌دانند و برای وارد شدن بلا بر مؤمنان انتظار می‌کشند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۸] (و از بادیه نشینان کسانی هستند که آنچه را که اتفاق می‌کنند، زیان کردن می‌دانند و برای وارد آمدن بلا بر شما، انتظار می‌کشند. پیش آمد بد بر آنان باشد و الله شنوای داناست).

قرآن پلیدی بر پلیدی آنها می‌افزاید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَكُنْمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ * وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۴-۱۲۵] (و وقتی سوره‌ای نازل می‌شود، از آنها کسی است که می‌گوید:

کدامیک از شما این [سوره] ایمان او را زیاد کرده است و اما کسانی که ایمان آورده‌اند در نتیجه‌ی آن ایمان آنها زیاد می‌شود و آنان شادمان می‌گردند * و اما کسانی که در قلبهایشان مرض وجود دارد، پلیدی بر پلیدی آنها افزوده

می‌شود و در حالی می‌میرند که کافر هستند).

پشت کردن به حق و روی برگرداندن از آن و نفرت داشتن

نسبت به آن:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۷] (و وقتی سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنها به بعضی دیگر می‌نگرند [و می‌گویند: آیا کسی شما را می‌بیند، سپس بیرون می‌روند و به سبب آن که

گروهی نفهم هستند، الله قلبهایشان را [از فهم حقیقت] برگردانده است).

خلاصه: الله تعالی در قرآن صفات منافقان را ذکر فرموده است و

آنان را گروهی جدا شده و کنار گذاشته، قرار داده است که امر آن بر کسی پوشیده نمی‌ماند.

کجا باید کسانی که الله تعالی در قرآن متضاد این صفات را برای

آنها به ثبت رسانده است و الله تعالی اعلان فرموده است که از بالای هفت آسمان از آنها راضی است و آنها را بهترین امت برای انسانها قرار داده است؟!!

آیا امکان دارد که امامان هدایت و نور، به طاغوت‌های گمراهی و

فجور تبدیل شوند؟ چه وقت امکان دارد که منافقان ترسو، شیر شوند و در آن واحد به فتحی آشکار دست یابند؟

چگونه می‌شود، تاریخ کسانی که زندگی خود را بر یاری الله

تعالی و رسولش قرار دادند و هرگز بعد از پیمان بستن با الله متعال، آن را نشکستند با کسانی مخلوط کند که تاریخ دعوت چیزی از آنها بیان نداشته

است، مگر خیانت، نافرمانی و باز ایستادن از امور؟

نسبت دادن نفاق به اصحاب محمد ﷺ که مؤمنان راستگو بودند، به

بهانه‌ی آن که در مدینه منافقان دروغگو و فرومایه وجود داشتند، مورد قبول واقع نمی‌شود، مگر بر اساس تکذیب نمودن قرآن و سنت و لجبازی نمودن با

تاریخ امت!

سبک برخورد با منافقان دلیلی دیگر بر جدا بودن آنها می‌باشد:

سبک برخورد الله ﷻ با منافقان چیزی غیر از آن است که در

برخورد با مؤمنان راستگو واجب نموده است.

همانا امر فرموده است که با آنها جهاد صورت گیرد و با آنها به

درشتی برخورد شود.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُشَسِّ الْمَصِيرُ﴾ [التوبة: ۷۳] (ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و با آنها به درشتی برخورد کن و جایگاه آنها جهنم است و بد بازگشتگاهی می‌باشد).

با آنها بدون مدارا نمودن باید رفتار شود و امر فرموده است که با آنان جهاد صورت گیرد و با درشتی با آنها برخورد شود و این در حالی است که درباره‌ی مؤمنان می‌فرماید که با نرمی و گستراندن بال محبت رفتار شود. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَاخْضِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۵] (و) بال [محبت] را بر مؤمنانی که از تو تبعیت می‌کنند، بگستران!.

باخبر می‌نماید که آنها اهل قبول شدن استغفار و طلب آمرزش نمی‌باشند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [التوبة: ۸۰] (برای آنها طلب آمرزش نمایی یا برای آنها طلب آمرزش ننمایی، اگر هفتادبار برای آنها طلب آمرزش نمایی، هرگز الله آنها را نمی‌آمرزد، این برای آن است که به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌نماید).

همچنین می‌فرماید: ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [المنافقون: ۶] (برای آنها یکسان است که برای آنها طلب آمرزش نمایی یا برای آنها طلب آمرزش ننمایی، الله هرگز آنها را نمی‌آمرزد. الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌نماید).

این در همان زمان است که الله تعالی به پیامبرش ﷺ امر می‌فرماید تا برای مؤمنان راستگو طلب آمرزش نماید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ [محمد: ۱۹] (بدان که هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز الله وجود ندارد و برای گناهت و برای مردان و زنان مؤمن طلب آمرزش نما! و الله گردشگاه و قرارگاهتان را می‌داند).

الله تعالی درباره‌ی بیعت نمودن با زنان می‌فرماید: ﴿قَبَّاعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الممتحنة: ۱۲] (پس با آنها بیعت کن و برای آنها از الله طلب آمرزش نما! همانا الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده است).

الله تعالی پیامبر ﷺ را از نماز جنازه بر آنها خواندن و ایستادن بر قبر آنها نهی نموده است:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَصَلُّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ۸۴] (و تا ابد هر کدام از آنها مردند بر او نماز [جنازه] نخوان و بر قبر او نایست، زیرا آنها به الله و رسولش کفر ورزیدند و در حالی مردند که فاسق بودند).

رسول الله ﷺ بعد از نزول این آیه برای منافقی نماز جنازه نخواند و هرگز بر قبر آنها نایستاد.

ولی رفتار او ﷺ با مؤمنان این گونه نبود، بلکه اصرار داشت تا بر آنها نماز بخواند و برای آنها دعا نماید، همان گونه که در سیره‌ی پیامبر ﷺ به اجماع رسیده است.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُوا لَلْخُرُوجِ قُلُّ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾ [التوبة: ۸۳] (اگر الله [تعالی] تو را به سوی گروهی از آنها بازگرداند، از تو برای خارج شدن [و جهاد در راه الله متعالی] اجازه می‌گیرند. بگو: هرگز همراه من [برای جهاد] بیرون نمی‌آید و هرگز همراه من با دشمنی جنگ نمی‌کنید. شما بار اول بر نشستن [در خانه و جهاد نمودن] راضی شدید، پس همراه در خانه ماندگان بنشینید).

ولی سبک برخورد با مؤمنان فرق می‌کند و آنها را تشویق به جهاد می‌نماید و برای جهاد نمودن، در آنها انگیزه ایجاد می‌نماید:

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النساء: ۸۴] (پس در راه الله بجنگ! بر تو چیزی تکلیف نشده است، مگر به اندازه‌ی توانت و مؤمنان را [به جهاد] تشویق کن!).

این دو نوع برخورد متفاوت دلیلی بر جدا بودن دو گروه است و با تطبیق دادن این حکمها نوع برخورد با هر گروه آنچنان که سزاوار آن است

مشخص می‌شود.

زندگی منافقان در برابر اجتماع مسلمانان به گونه‌ای بود که ذلیل و خوار بودند و هرگز به رهبری دست نیافتند و به دین یاری نرساندند، بلکه در آن به گونه‌ای بودند که در زیر دست و پای اسبان مجاهدان راستگو بودند. چگونه می‌شود یک‌دفعه اوضاع برگردد و به پندار بعضی، به گونه‌ای شود که رهبران امت فریب بخورند و کسانی که مورد اعتماد آنها هستند، تغییر یابند و امور آن را منحرف گردانند و در آن هر گونه که بخواهند حکمرانی نمایند؟

چه وقت این امکان وجود دارد؟ درست بعد از مرگ رسول الله ﷺ و قبل از آن که جسد طاهرش در قبر شریفش قرار گیرد! آیا مسلمانان زشت‌تر از این دروغ و خیبت‌تر از این خبلت را دیده‌اند؟ آگاه باشید که لعنت الله بر دروغگویان می‌باشد.

[نکته مهم دیگری وجود دارد که باید غیر عرب زمینان از آن اطلاع پیدا کنند. ما در قرآن و هر کتاب عربی دیگری دو واژه داریم که معنای آنها با هم فرق می‌کند، یکی «عربی» و دیگری «اعرابی». متأسفانه در فارسی برای جمع بستن عرب از کلمه‌ی اعراب استفاده می‌شود و این در حالی است که در زبان عربی کلمه‌ی «اعراب» جمع کلمه‌ی «عرب» نمی‌باشد، بلکه «اعراب» به معنای «عرب بادیه نشین» می‌باشد و مفرد آن اعرابی است.

در بعضی آیات قرآن که درباره‌ی بادیه نشینان و کسانی که همراه پیامبر ﷺ نمی‌باشند و در نتیجه‌ی آن از علوم دینی عقب می‌افتند، سخن به میان آمده است و بعضی از افراد سوء استفاده کرده و این آیات را به مسلمانان مدینه و به کل عربها نسبت می‌دهند.]

«عصمت جز برای پیامبران وجود ندارد»

گواهی دادن قرآن به حقیقت ایمان صحابه‌ی رسول الله ﷺ و بشارت دادن آنها به رحمت و رضوان معنای آن این نمی‌باشد که آنها از خطا معصوم بوده‌اند یا از لغزش و اشتباه پاک می‌باشند، زیرا آنها نه ملاتک بودند و نه پیامبر. بلکه در بعضی از آنها این موارد پیش می‌آمد، ولی آنها بر آن اصرار نداشتند و به توبه و استغفار مبادرت می‌نمودند و این خدش‌های به حقیقت ایمان آنها وارد نمی‌کند و همچنین ایرادی به بشارت آنها به آموزش و رحمت ایجاد نمی‌کند. قرآن کریم بعضی از این موارد را به ثبت رسانده است و همراه آن توبه‌پذیری الله متعال و مهربانی و رحمت او به آنها را بیان داشته است.

الله تعالی درباره‌ی گرفتن فدیة در برابر اسیران بدر می‌فرماید:

﴿لَوْ مَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

[الأنفال: ۶۸] (اگر امر نوشته‌ای شده‌ای [در تقدیر بر این که اهل بدر مورد آموزش قرار گرفته‌اند] از طرف الله از قبل نبود، چه واسطه‌ی آنچه گرفته‌اید، عذاب بزرگی به شما می‌رسید).

از طرف الله تعالی، برای اهل بدر، آموزش و عفو در نظر گرفته

شده بود و این مانعی شد تا آنها مورد بازخواست قرار گیرند.

الله تعالی درباره‌ی غزوه‌ی احد می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ

وَتَنَازَعْتُمْ فِي اللَّامِزِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تَحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ لِلدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۲] (و الله به وعده‌ی خود در برابر شما وفا نمود،

آنگاه که به اذن او آنها را از پای درآوردید، تا آن که سستی نمودید و در امر اختلاف ورزیدید و بعد از آن که آنچه را که دوست داشتید به شما نشان داد، نافرمانی کردید. از شما کسی وجود دارد که دنیا را می‌خواهد و از شما کسی است که آخرت را می‌خواهد، سپس شما را از آنها بازداشت و منصرفتان نمود تا شما را مورد آزمایش قرار دهد و همانا شما را مورد عفو قرار داد و الله دارای بخششی بر مؤمنان می‌باشد).

این آیه بعد از بیان آنچه از سستی و اختلاف ورزیدن و خواست

دنیا بیان داشته است، بیان می‌نماید که الله تعالی آنان را مورد عفو قرار داد و

آمرزش او بر آنها واقع شد و آیه این گونه به پایان می‌رسد که آن فضل و بخشی از طرف الله تعالی بر آنان می‌باشد، زیرا آنها به الله و فرستاده‌اش ایمان داشتند... ﴿وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾.

الله تعالی درباره‌ی کسانی که در این روز خاص روی برگرداندند، می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۵۵]
(همانا کسانی که در روزی که دو گروه به یکدیگر رسیدند، روی برگرداندند، فقط شیطان در آنها لغزش ایجاد کرد و آن به واسطه‌ی بعضی از چیزی است که کسب نموده بودند و همانا الله آنها را مورد عفو قرار داد، همانا الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده است).

این دلیلی آشکار بر این است که کسانی که در آن روز فرار کردند مورد عفو قرار گرفتند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالتَّائِبِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ * وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [التوبة: ۱۱۷ - ۱۱۸]
(همانا الله توبه‌ی پیامبر و مهاجرین و انصار را پذیرفت، کسانی که در زمان سختی از او تبعیت کردند و این بعد از آن بود که نزدیک بود تا گروهی از آنها قلبهایشان منحرف گردد، سپس توبه‌ی آنها را پذیرفت، همانا او نسبت به آنها مهربان و دائماً رحمت کننده می‌باشد * و سه نفری که تخلف نمودند تا آن که زمین با تمامی فراخی‌اش بر آنها تنگ شد و جانهای آنها به تنگ آمد و پنداشتند که هیچ پناهگاهی از الله جز به سوی او نیست، از آنها درگذشت تا توبه نمایند. همانا الله [متعال] بسیار توبه‌پذیر و دائماً رحمت کننده است).

این آیه در غزوه‌ی تبوک نازل شد و آن در حالی بود که اصحاب رسول الله ﷺ در خشکسالی و گرمای شدید و سختی توشه و آب، به حرکت افتادند، تا آن که پنداشتند که از شدت تشنگی گردهای آنها قطع می‌شود و از شدت سختی نزدیک بود بعضی از آنها از حق منحرف گردند. سپس رحمت الله

تعالی بر آنان واقع شد و آن به برکت دعای پیامبر ﷺ برای آنها بود و برای آنها طلب باران نمود و آنها سیراب شدند. سپس الله متعال توبه‌ی آنها را پذیرفت، همان توبه‌ای که در اول آیه و در بعد از آن آمد. سپس رحمت الله جل و علا امتداد یافت و شامل قبول توبه‌ی سه نفری شد که از رسول الله ﷺ تخلف نموده بودند (و در جهاد شرکت نکرده بودند). رسول الله ﷺ به قبول توبه‌ی آنها امید داشت، تا آن که الله متعال حکم خود را درباره‌ی آنها بیان فرمود و اینچنین بود که الله ﷻ توبه تمامی کسانی که برای این غزوه بیرون رفته بودند را پذیرفت و تعداد آنها همان گونه که در کتابهای سیره و تاریخ آمده است به سی هزار نفر می‌رسید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۰۲]
(و دیگران که به گناهانشان اعتراف نمودند، عمل صالح را با دیگر عمل بدی مخلوط کرده‌اند، امید است که الله توبه‌ی آنها را بپذیرد، همانا الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده است).

جمهور می‌گویند: این آیه درباره‌ی کسانی که از غزوه‌ی تبوک تخلف نموده بودند، نازل شده است، خود را به ستون‌های مسجد در بند قرار دادند و قسم خوردند که خودشان را رها نمی‌کنند، مگر آن که رسول الله ﷺ آنها را رها کند و از آنها راضی شود و رسول الله ﷺ آنان را رها نمود تا آن که این آیه نازل گشت. وقتی این آیه نازل شد، به سوی آنها فرستاد و آنها را رها نمود و عذر آنها را پذیرفت.

گفته شده است، این آیه درباره‌ی ابولبابه انصاری ؓ نازل شده است، خصوصاً درباره‌ی برخوردش با بنی قریظه. آن وقتی بود که آنها درباره‌ی نازل شدن حکم الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ با او سخن گفتند. او به حلقش اشاره نمود و منظورش این بود که اگر [از قلعه‌هایشان] بیروم بیایند، پیامبر ﷺ سر آنها را خواهد زد، سپس پیشمان شد و خود را به یکی ستونهای مسجد بست و در همان حال ماند، تا آن که الله تعالی او را مورد عفو قرار داد.

منظورمان این بود که روشن سازیم که الله تعالی توبه‌ی آنها را پذیرفت، زیرا می‌فرماید: ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾ (امید است که الله توبه‌ی آنها را بپذیرد) و امید در این سخن الله تعالی لگاده‌ی آن را می‌کند که آن‌چه

وقوع خواهد پیوست. [در زبان عربی چیزی که آرزو می‌شود اگر از نوع «تمنی» باشد آن به وقوع نمی‌پیوندد و اگر امر آرزو شده از روی «ترجی» باشد امید است که آن امر به وقوع بپیوندد و در این آیه ترجی آمده است.]

موضع مؤمنان درباره‌ی صحابه

۱- اعتقاد به امام بودن آنها در دین و قبول آنچه که در قرآن، الله تعالی توسط آن، آنها را ستایش فرموده است...

الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] (شما بهترین امتی هستید که برای مردم آفریده شده‌اید، به نیکی امر می‌نمایید و از بدی نهی می‌کنید و به الله ایمان دارید).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [البقرة: ۱۴۳] (و این چنین است که شما را امت وسطی قرار دادیم تا گواهی بر مردم باشید و رسول بر شما گواه باشد).

فقط قبله‌ی شما را به سوی قبله‌ی ابراهیم عوض کردیم و آن را برای شما برگزیدیم تا شما را بهترین امت قرار دهیم، تا در روز قیامت گواهی بر مردم باشید و «وسط» در اینجا به معنای بهتر و نیکوتر است و این آیه درباره‌ی صحابه علیهم‌السلام مصداق پیدا می‌کند، چون آنها اولین کسانی بودند که با این آیه مورد خطاب قرار گرفتند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [النور: ۵۵] (الله [متعال] به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را بر روی زمین خلیفه قرار می‌دهد، همان گونه‌که نفرات قبل از آنها را جانشین قرار داده بود و دین آنها را که از آن برای آنها راضی شده است، برای آنها جایز و اسوده می‌گرداند و ترس آنها را به ایمنی تغییر خواهد داد. مرا می‌پرستند و به من ذره‌ای شرک نمی‌ورزند و کسانی که بعد از آن کفر می‌ورزند،

آنان همان فاسقان هستند).

الله ﷻ وعده داده است به خلیفه شدن و منزلت یافتن و امنیت و این برای کسی است که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد و بندهی الله یکتا باشد و ذره‌ای به او شرک نرزد. صحابه‌ی سزاوارترین افراد به مورد خطاب گرفتن می‌باشند، زیرا آنان اولین کسانی بودند که مورد خطاب قرار گرفتند و الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْكُمْ﴾ (از شما) و الله تعالی به وعده‌ی خود عمل نمود و توسط آنها مشرقهای زمین و مغربهای آن را فتح نمود و آنان را خلیفه و امام قرار داد. در اینجا است که اعلمت آنها در دین ثلثت می‌شود و از آن معلوم می‌شود که آنان گروهی مؤمن و صالح بودند.

۲- از آنها به نیکی تبعیت صورت گیرد:

الله ﷻ پیشی گیرندگان اولیه از مهاجرین و انصار را مورد ستایش قرار داده است و همچنین هر کسی که از آنها به نیکی تبعیت کند و تبعیت از آنها به نیکی را راهی برای رضایتمندی و رضوان وی قرار داده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰] (پیشی گیرندگان اولیه از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها به نیکی تبعیت می‌کنند، الله از آنها راضی شد و آنها از وی راضی شدند و برای آنها باغهایی آماده نموده که از زیر آن نهرها جاری است، در آن تا ابد جاودان خواهند ماند و آن کامیابی بزرگی است).

به کسی که از راهی غیر از راه آنها تبعیت کند، وعید آتش جهنم و بازگشت بد می‌دهد:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۱۵] (و کسی که با رسول مخالفت کند، بعد از آن که هدایت برای او روشن شد و از [راهی] غیر از راه مؤمنان تبعیت کند. او را به همان جهنمی که به آن روی کرده است، رها می‌کنیم و او را وارد جهنم می‌نماییم و او را می‌سوزانیم و آن چه بد بازگشتگاهی است).

۳- ستایش آنها و راضی شدن از آنان و طلب آموزش نمودن

برای آنها و دست کشیدن از امری که در آن اختلاف داشته‌اند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰] و کسانی که بعد از آنها می‌آیند [و] می‌گویند: پروردگار ما! ما را بیامرز و برادران ما را که در ایمان از ما سبقت گرفتند و در قلبهای ما کینه‌ای برای کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار مده! پروردگار ما! همانا تو بسیار مهربان و دائماً رحمت کننده می‌باشی.

۴- عدم اعتقاد به عصمت حتی یکی از آنها:

عصمت برای هیچ کس بعد از رسول ﷺ وجود ندارد و این امر به امامت آنها و گواهی دادن به حقیقت ایمان آنها خدش‌های وارد نمی‌کند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۲] (و هنگامی که الله [تعالی] برای شما به وعده‌اش وفا نمود، هنگامی که به اذن او آنها را از پای درآوردید؛ تا آن که سستی نمودید و در امر اختلاف ورزیدید و بعد از آن که آنچه را که دوست می‌دارید [الله متعال] آن را به شما نشان داد، نافرمانی کردید. از شما کسی است که دنیا را می‌خواهد و از شما کسی است که آخرت را می‌خواهد. سپس شما را از آنها بازداشت تا شما را مورد آزمایش قرار دهد و [الله تعالی] شما را بخشید و الله برای مؤمنان صاحب بخشش است).

گواهی الله ﷻ به پاک بودن أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها

از آنچه به وی تهمت زده شد:

پاک بودن أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها از آنچه به وی تهمت زده شد، ثبت شده است و آن در قرآنی قرار دارد که بر جهانیان تلاوت می‌شود. آیات سوره‌ی نور درسی رسا برای مؤمنان و گواهی دادن الله تعالی به پاک بودن أم المؤمنین می‌باشد. در آن روز [که این آیات نازل شد] فتنه خاموش شد و کسانی که به آن مرتکب شدند، به جزای خود رسیدند و سخن پروردگارت بر راستگویی و عدالت قرار گرفت.

الله تعالى می فرماید: ﴿إِنَّ لِلَّذِينَ جَاءُوا بِلَاإِفْكَ عُصْبَةً مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ * وَلَوْ أَنِ اسْمَعْتُمُوهُ ظَنُّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ * وَلَوْ جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ * وَلَوْ أَنَّ فَضْلَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ * إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالِاسْتِكْمَارِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ * وَلَوْ أَنِ اسْمَعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ * يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النور: ١١-١٩] (همانا

کسانی که این تهمت را بیان کردند، گروهی از خود شما هستند. میندازید که آن برای شما شر است، بلکه آن برایتان خیر است. هر کدام از آنها به گناهی که مرتکب شده است، گرفتار می شود و کسی از آنها که بخش بزرگی از آن را به عهده داشته است، برای او عذاب بزرگی خواهد بود * چرا وقتی این تهمت را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق خودشان گمان نیک نبردند و بگویند: «این دروغی آشکار است؟» * چگونه بود که آنها برای آن چهار شاهد نیاوردند؟ وقتی آنها شاهدان را نیاورده اند نزد الله دروغگو هستند * و اگر فضل و رحمت الله بر شما در دنیا و آخرت نبود، به واسطه ی فرو رفتن در آن [تهمت] عذاب بزرگی به شما می رسید * هنگامی که آن [تهمت] را زبان به زبان می گرفتید و با دهانهایتان چیزی را می گفتید که به آن علم [و آگاهی] نداشتید و آن را سبک می پنداشتید و این در حالی است که آن نزد الله بزرگ می باشد * و چرا وقتی آن را شنیدید نگفتید: «بر ما نیست که درباره ی آن سخن بگوییم، تو [ای الله!] پاک هستی و این تهمتی بزرگ است؟» * الله شما را پند می دهد که چنین کاری را تکرار نکنید، اگر از مؤمنان هستید * و آیات خود را بر شما بیان می دارد و الله بسیار دانا و بسیار با حکمت است * کسانی که دوست دارند تا عمل فاحشه ای در بین کسانی که ایمان آورده اند، پخش شود، برای آنها عذابی دردناک در دنیا و آخرت خواهد بود و الله می داند و شما نمی دانید.

تا آنجا که الله تعالى می فرماید: ﴿إِنَّ لِلَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ

الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ * الْغَيْبَاتِ لِلْغَيْبِيِّينَ وَالْخَبِيثَاتِ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» [النور: ۲۳-۲۶] (کسانی که به زنان غافل [از گناه] و مؤمن تهمت

می‌زنند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آنها عذابی بزرگ خواهد بود * روزی که زبانهایشان و دستهایشان و پاهایشان به واسطه‌ی آنچه انجام داده‌اند، گواهی می‌دهند * در آن روز الله، جزای آنها را بی کم و کاستی به آنها می‌دهد و خواهند دانست که الله، همان حق آشکار است * زنان خبیث برای مردان خبیث هستند و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاک برای مردان پاک هستند و مردان پاک برای زنان پاک هستند، اینان از آنچه می‌گویند، پاک و منزّه هستند [و] برای آنها آموزش و رزقی گرامی خواهد بود).

کسی که در این آیات گرامی تفکر نماید، از آن درسها و پندهایی می‌گیرد تا بفهمد که باطل گریانی که تا به امروز زن طاهر و پاک، همسر رسول الله ﷺ و عزیز او را مورد ناسزا قرار می‌دهند، چه عمل زشتی را انجام می‌دهند و این بعد از آن می‌باشد که در آیات قرآن از او دفاع شده است و پادشاه بسیار دانا گواهی به پاکی او داده است!

آیا غیر از این است که الله تعالی این عمل را چیزی غیر از افک نامیده باشد؟

﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ﴾ [النور: ۱۱] (کسانی که با افک آمدند، گروهی از شما می‌باشند).

همچنین می‌فرماید: ﴿تَوَلَّوْا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾ [النور: ۱۲] (چرا وقتی این تهمت را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق خودشان گمان نیک نبردند و بگویند: «این افکی آشکار است»؟)

آیا افک چیزی جز دروغ و تهمت و افترا می‌باشد؟

آیا پروردگار با عزت به کسانی که در آن غرق شدند، نفرمود:

﴿إِذْ تَلَقَّوْهُ بِالْأَلْفِ عَلَيْهِمْ وَتَقُولُونَ إِنَّا لَا نَسْمَعُ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيَّا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۵] (هنگامی که آن [تهمت] را

زبان به زبان می‌گرفتید و با دهانهایتان چیزی را می‌گفتید که به آن علم [و آگاهی] نداشتید و آن را سبک می‌پنداشتید و این در حالی است که آن نزد الله بزرگ می‌باشد).

آیا الله تعالی بر حذر نفرموده است که چنین عملی را هیچ وقت انجام ندهید:

﴿يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۱۷]
الله شما را پند می‌دهد که تا ابد چنین امری را تکرار نکنید، اگر مؤمن هستید).

آیا وعید نداده است که کسی که به زنان غافل از گناه و مؤمن تهمت بزند، در دنیا آخرت گرفتار لعنت می‌شود، می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْفَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۲۳] (کسانی که به زنان غافل [از گناه] و مؤمن تهمت می‌زنند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آنها عذابی بزرگ خواهد بود).

آیا الله ﷻ نمی‌فرماید: ﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾ [النور: ۲۶] (زنان خبیث برای مردان خبیث هستند و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاک برای مردان پاک هستند و مردان پاک برای زنان پاک هستند).

این نشان می‌دهد که عایشه رضی الله عنها انسانی پاک برای رسول الله ﷺ چه به حکم شرع و چه از روی تقدیر بوده است و اگر او شخص خبیثی بود، الله تعالی او را همسر رسولش ﷺ قرار نمی‌داد. جز این نیست که او زنی پاک بود، زیرا شوهرش پیامبر ﷺ پاک‌ترین بشر بود. پدر و مادرم فدایش شوند صلی الله علیه وسلم.

آیا الله تعالی با سخنش، پاکی او را به صراحت بیان نفرمود:
﴿أُولَئِكَ مَبَرَّوْنَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [النور: ۲۶]
(آنان از آنچه می‌گویند، پاک هستند و برای آنها آمرزش و رزق گرامی خواهد بود).

آیا الله ﷻ به آنها وعدهی آمرزش و رزق گرامی نداده است:
﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾

آیا از این سخن الله تعالی برداشتی جز این می‌شود که به حقیقت

ایمان او اقرار شده است و او را به مرگی بشارت داده است که از روی حق همراه آن، آمرزش و رزق گرامی در آخرت وجود خواهد داشت.

آیا بعد از این مطالب برای کسی که به الله تعالی و سخنانش ایمان دارد، جایز می‌باشد تا به أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها نسبت خبائث و سوء ظن بدهد؟ آیا این عمل او جز کفر آشکار و مرتد شدن صریح چیز دیگری می‌باشد؟

[آیا چنین افرادی این سخن الله تعالی را نشنیده‌اند: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...﴾ [الأحزاب: ۶] (پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آنها می‌باشند...)].

خاتمه

با گردشی که در آیات قرآن داشتیم در بین آن گواهی الله جل و علا درباره‌ی صحابه‌ی رسولش را داشتیم که در آن اقرار به حقیقت ایمان در قلب آنها و اخلاص در طاعات و راستگویی در عبادات و ستایش او از آنها برای هجرت، جهاد، یاری، امر به نیکی، نهی از بدی و شتاب داشتن در امور خیر وجود داشت.

همان گونه که گواهی الله تعالی به صالح بودن و راستگویی و رستگاری و راه یافتگی آنان را دیدیم:

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاسِدُونَ﴾ [الحجرات: ۷] (آنان همان راه یافتگان هستند).

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸] (آنها همان راستگویان هستند).

﴿وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۱۱۴] (آنان از صالحان هستند).

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾ [الأنفال: ۷۴] (آنان همان مؤمنان حقیقی هستند).

﴿وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [التوبة: ۸۸] (و آنان همان رستگاران هستند).

همچنین اعلان رضایتمندی وی از آنها و پذیرفتن توبه آنها را دیدیم:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح:

۱۸] (همانا الله از مؤمنان راضی شد، هنگامی که زیر درخت با تو بیعت کردند).

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ

بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ [التوبة: ۱۰۰] (و پیشی گیرندگان اولیه

از مهاجرین و انصار و کسی که به نیکی از آنها تبعیت می‌کنند، الله از آنها راضی شده است و آنها از او راضی شده‌اند).

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي

سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾ [التوبة: ۱۱۷] (همانا الله توبه‌ی پیامبر و مهاجرین و انصار،

کسانی که در زمان سختی از او تبعیت کرده‌اند را پذیرفت).

﴿وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۲]

(و همانا شما را مورد عفو قرار داد و الله صاحب فضل و بخشش بر مؤمنان است).

همان گونه که دیدیم به آنها وعده‌ی نیکی و نعمتهای دائمی در

بهشت‌های پُر نعمت، داده شد:

﴿وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى﴾ [الحديد: ۱۰]، [النساء: ۹۵] (و به

تمامی آنها الله وعده‌ی نیکو داد).

﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴] (برای آن آمرزش و

روزی گرامی خواهد بود).

﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ﴾

[التوبة: ۲۱] (پروردگارشان به آنها بشارتِ رحمتی از طرف وی و رضوان و

بهشت‌هایی را داده است که دارای نعمتهای دائمی می‌باشند).

﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ [التوبة: ۸۹] (الله

برای آنها باغ‌هایی را مهیا ساخته است که از زیر آن نهرها جاری است).

می‌بینیم که بشارتِ بهشت به آنها از طرف الله تعالی، پاک بودن

آنها از تهمتِ نفاق را می‌رساند، و این تهمتی است که از طرف باطل‌گرایان

بیان می‌شود و اگر این تهمت درست باشد در سخن الله ﷻ تناقض وجود دارد و

الله تعالی از این امر بسیار والاتر و بزرگتر می‌باشد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ

وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۴۵] (همانا منافقان در پایین‌ترین درکِ آتش

جهنم می‌باشند و برای آنها یاری رسانی نمی‌یابی).

همچنین الله تعالى می‌فرماید: ﴿لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلَادِكُمْ لِلَّهِ الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَالِحُونَ * أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۸۸-۸۹] (ولی رسول و کسانی که همراه او ایمان آورده‌اند، با مالهایشان و جانهایشان جهاد می‌کنند و برای آنها تمام نیکی‌ها و خیرها می‌باشد و آنها همان رستگاران هستند * الله [متعال] برای آنها بهشت‌هایی را مهیا نموده است که از زیر آن نهرها جاری است، در آن جاویدان هستند، آن کامیابی بزرگی است).

همان گونه که دیدیم آنان لشگری بودند که توسط آنها پیروزی حاصل شد و همان گونه که جاهلان می‌پندارند، آن مؤمنان، افراد کمی نبودند. ﴿هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِتَنْصَرِهِ وَيَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۲] (او کسی است که با یاری دادنش و با مؤمنان به تو قدرت داد).

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ النَّصَارَةِ فَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَآخِرَى كَافِرَةٌ﴾ [آل عمران: ۱۳] (همانا برای شما نشانه‌ای در دو گروه است که با هم برخورد نمودند. گروهی در راه الله جهاد می‌کند و گروهی دیگر کافر هستند). ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ﴾ [آل عمران: ۱۳] (و [به‌یاد بیاور] وقتی را که صبحگاه از نزد اهلت بیرون رفتی تا جای مؤمنان را برای جنگ مشخص نمایی).

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح: ۱۸] (همانا الله از مؤمنان راضی شد، هنگامی که زیر درخت با تو بیعت نمودند). ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾ [التوبة: ۱۱۷] (همانا الله توبه‌ی پیامبر و مهاجرین و انصار، کسانی که در زمان سختی از او تبعیت کرده‌اند را پذیرفت).

همان گونه که دیدیم، الله تعالی به آنها وعده داد و در نتیجه‌ی آن آنها بر روی زمین خلیفه قرار داد و توسط آنها مشرق‌ها و مغرب‌ها را فتح نمود.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وَلْيَبْذُلُوهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْثًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ [النور: ۵۵] (الله [متعال] به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را بر روی زمین خلیفه قرار می‌دهد، همان گونه که نفرت قبل از آنها را خلیفه قرار داده بود و دین آنها را که از آن برای آنها راضی شده است، برای آنها پابرجا و استوار می‌گرداند و ترس آنها را به ایمنی تغییر خواهد داد. مرا می‌پرستند و به من ذره‌ای شرک نمی‌ورزند).

همان گونه که دیدیم تقابل با مؤمنان از صحابه رضی الله عنهم این گونه بود که در نتیجه‌ی آن باید در نیکی از آنها تبعیت صورت گیرد و ستایش الله تعالی از آنها مورد قبول واقع شود و برای آنها طلب آمرزش شود و از آن رضایت وجود داشته باشد و بعد از همه‌ی این موارد، باید اعتقاد وجود داشته باشد که شخصی از آنان معصوم نبوده است.

﴿الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰] (و کسانی که بعد از آنها می‌آیند [و] می‌گویند: پروردگار ما! ما را بیامرز و برادران ما را که در ایمان از ما سبقت گرفتند و در قلبهای ما کینه‌ای برای کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار مده! پروردگار ما! همانا تو بسیار مهربان و دائماً رحمت کننده می‌باشی).

سپس بار دیگر به ماجرای تهمت به عایشه رضی الله عنها بر می‌گردیم و گواهی پروردگار جهانیان به پاک بودن او را یادآور می‌شویم.

﴿أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [النور: ۲۶] (آنان پاک هستند از آنچه [باطل گرایان] می‌گویند، برای آنها آمرزش و رزقی گرامی خواهد بود).

و بعد ...

این همان قرآنی است که مسلمانان آن را می‌خوانند و قرآنی غیر از آن را نمی‌شناسند. در آیات محکم آن، باطل بودن گروهی به اثبات رسیده است و بی‌بنیان بودن قواعد آنها معلوم می‌شود.

عقیده‌ی رافضیان درباره‌ی صحابه رضی الله عنهم

راهی برای انکار نمودن قرآن

گروهی درباره‌ی اصحاب رسول الله ﷺ دست درازی کرده‌اند و به آنها اتهام کفر و مرتد شدن تا نهایت گمراهی را نسبت داده‌اند و این از روی منحرف شدن از راه و برگشتن از صراط الله تعالی است. آگاه باشید که آن کفر به آیات الله تعالی و رد نمودن اسلام است.

همان گونه که در قبل دیدیم، آیات قرآنی آشکاری بیان شد که گمراهی‌های باطل گرایان و اساس آنها را از ریشه بر می‌کند! در برابر این آماج از میان برنده‌ی [اعتقادات باطل] که بلندای آسمان آمده است، چه کاری انجام خواهند داد؟

با قلم خوددبختی گروهی از زنان را بیان داشتیم که بر مرکب هلاکت و نابودی سوار هستند و در حالی می‌رانند که به کتاب الله تعالی طعنه وارد می‌کنند: در درست بودن آن شک ایجاد می‌کنند و برای تهمت به تحریف رفتن آن کتابها می‌نویسند. از آنها از طبرسی یاد می‌کنیم که صاحب کتاب «فصل الخطاب فی إثبات تحریف کتاب رب الأرباب!» می‌باشد و آن نهایت حرص گروهی است که سعی می‌کنند تا آن را مخفی کنند و پنهان دارند، زیرا آن ریشه‌ی آنان را بر می‌کند و آنها به گواهی تمامی مسلمانان [اگر عذر نداشته باشند] کافر و مرتد می‌باشند و به مانند تیری که از کمان دور می‌شود، آنها از اسلام دور می‌شوند!

عده‌ای از آنها که با پرداختن به این هلاک کننده‌ها از دین فرار می‌کنند، به آل بیت رضوان الله علیهم نسبت می‌دهند که قرآنی غیر از این قرآن نزد آنها می‌باشد و مصحف فاطمه رضی الله عنها سه برابر مصحفی است که امروزه مسلمانان می‌خوانند و در آن حتی یک حرف از مصحف مسلمانان وجود ندارد!

ما نمی‌خواهیم با این مبحث رو در روی این هذیان قرار بگیریم که طرفداران خود را در زمره‌ی یهودیان و مسیحیان و آتش پرستان قرار می‌دهد. امت اسلام همواره خواسته‌اند تا به سخن گفتن با آنها بپردازند و در برابر آنها زمانی طولانی است که موضع گیری می‌کنند. ما فقط می‌خواهیم این مطلب را بیان داریم تا باعث پندگیری آنها شود و بیشترین کسانی که سعی می‌کنند این مطلب را رد نمایند، اهل هوی نفس هستند و اهل بیت ﷺ از جنایات آنها و دست درازی آنان سالم نمانده‌اند و این در حالی است که آنها

برجم یاری نمودن اهل بیت و بیزاری از دشمنان آنها را به دست گرفته‌اند.

چه ظلم و افترا بستنی به اهل بیت بزرگتر از این وجود دارد که به آنها نسبت می‌دهند، دارای قرآنی غیر از این قرآن هستند و آن را از رسول الله ﷺ گرفته‌اند، سپس پنهانی پیمان می‌بندند که آن قرآن را بیوشانند و الله را به شکلی عبادت می‌کنند که سوای آن عبادتی می‌باشد که در قرون طلایی اسلام صورت گرفته است؟!

این چه ظلمی است که به علی کرم الله وجهه و دشمنی با وی انجام می‌دهند و در حالی که او خلیفه‌ی با منزلتی بوده است، به او نسبت می‌دهند که امت را در گمراهی و عبادتی رها نموده است که بر اساس قرآنی بوده است که او اعتقاد داشته است آن تحریف شده است و باطل می‌باشد. در حالی که او خلیفه بوده است و می‌توانسته است که کتابی را تبلیغ نماید که درست بوده است ولی با این وجود آن که امتی به او منزلت می‌دادند و دارای قدرت بود، آنها را به حال خود، رها نمود؟!

چه افتزایی بالاتر از این به فاطمه دختر رسول الله ﷺ بسته شده است که به او نسبت تدلیس و کتمان و خیانت می‌دهند با این ادعا که مالک قرآنی بوده است که سه برابر قرآنی است که تمامی امت اسلام بر عبادت کردن به طریق آن، اجماع دارند و در آن حتی یک حرف از این قرآن وجود ندارد. با این وجود آن را از امت اسلام پنهان داشته است تا امت بر تحریف، کفر و گمراهی بمانند؟!

چگونه است این قرآنی که حتی یک حرف آن از قرآن مسلمانان نمی‌باشد؟ حروف آن به چه شکلی تألیف شده‌اند که از آن حروف نمی‌باشند؟ آیا به زبان سریانی می‌باشد یا هیروکلیفی؟ یا به زبانی نوشته شده است که در آن حروف و کلمات وجود ندارد؟

و بعد...

این گواهی قرآن بود که ای اهل خرد! آن را برای شما بیان نمودیم!

بعد از این مطالب چه عذری برای کسی باقی می‌ماند که خود را به اسلام نسبت می‌دهد، در حالی که در قلبش کینه‌ای نسبت به بهترین مؤمنان و سرور دوستان الله تعالی بعد از پیامبران وجود دارد؟

چه دلیلی برای کسانی وجود دارد که وقتی از آنها پرسیده می‌شود، شریک‌ترین افراد امت شما چه کسانی هستند؟ می‌گویند: اصحاب محمد - البته جز عده‌ای قلیل - . وقتی از یهودیان سوال می‌شود: در ملت شما بهترین افراد چه کسانی هستند؟ می‌گویند: اصحاب موسی علیه السلام و وقتی از مسیحیان سوال می‌شود: بهترین اشخاص امت شما چه کسانی هستند؟ می‌گویند: اصحاب و یاران عیسی علیه السلام. [این سوال را من از یک زرتشتی پرسیدم و او نیز گفت: بهترین امت زرتشت کسانی بودند که در زمان او می‌زیسته‌اند]

آیا یهودیان و مسیحیان در این سؤاله از آنان بهتر هستند؟! آیا کسی را گمراه‌تر از افرادی می‌شناسید که بدون تبعیت از هدایت الله تعالی، از هوای نفسشان تبعیت کنند؟ یا ظالم‌تر از کسی می‌شناسید که گواهی الله تعالی برای او کافی نباشد و آیات قرآن او را قانع نکند؟! در انتها خود را متوجه‌ی این گروه می‌سازیم و به آنها ندا می‌دهیم:

ای کسی که هلاک‌کننده‌ها او را به لغزش انداخته‌اند: قرآن را بخوانید و در معانی آیات آن، به دور از هرگونه تسلط هوای نفس و تعصب تدبیر نمایید و از روزی بترسید که در آن به سوی الله تعالی باز می‌گردید و در آن روز محمد صلی الله علیه و آله و اصحابش و بلکه اهل بیت با شما دشمنی می‌کنند. همان اهل بیتهایی که پرچم‌یاری نمودن آنها را برافراشته‌اید و این در حالی است که به آنها افترا می‌بندید که دچار خیانت، پوشاندن و تدلیس شده بودند! پس به سوی الله توبه نمایید و از او طلب آمرزش کنید، قبل از آن که اختیار این کار با رسیدن مرگ از دست شما خارج شود و در نتیجه‌ی آن بر آنچه انجام داده‌اید، پشیمان گردید.

یا الله! ما از تو سالم ماندن از هر گمراهی و انحرافی را درخواست می‌نماییم و تو را شاهد می‌گیرم که اصحاب پیامبرت را دوست داریم و با آنها بر اساس منزلتی که برای آنها بیان فرموده‌ای دوستی می‌کنیم. همچنین تو را شاهد می‌گیریم که قرن آنها بهترین قرن بوده است و آنها راستگو و راه یافته بودند و این که اگر ما به اندازه‌ی کوه احد، طلا اتفاق کنیم، به اندازه‌ی یک مد و یا نصف آن، از اتفاق کردن آنها نمی‌رسد.

همین طور از تو با توسل به اسمهای نیکت، درخواست می‌نمایم

که مسلمانان را بر کلمه‌ی حق یکجا جمع فرمایی و تمامی اهل بدعت و گمراهی را هدایت نمایی. یا الله! حق را بر ما روشن فرما و اراده‌ی ما را بر آن یکجا جمع نما! از روی رحمتت ای أرحم الراحمین. آمین.

الله تعالی حق را می‌گوید و اوست که به راه درست هدایت می‌نماید و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.